

نظام جامع تربیتی و برنامه‌ریزی درسی
دانشگاه امام صادق علیه السلام

معرفی نامه



دانشگاه امام صادق

مقدمه:

دانشگاه امام صادق علیه السلام به عنوان درخت روئیده از متن انقلاب اسلامی و بالنده و تناور شده در دوری استقرار نظام جمهوری اسلامی، هدف و رسالت ویژه و مسئولیتی سترگ برعهده دارد که سایر مسئولیت‌ها ذیل آن قرار می‌گیرند؛ و آن، ارائه‌ی الگویی از یک دانشگاه اسلامی است.

با توفیقات الهی، پس از گذشت بیش از سه دهه از تأسیس دانشگاه، با مدیریت و تدبیر داهیان‌هی اندیشمند انقلابی مرحوم آیت‌الله مهدوی‌کنی رحمه الله گام‌های بلندی در جهت این هدف برداشته شده و تجربه‌های گران‌سنگی فراهم آمده است. با توجه به این اندوخته‌ی گرانقدر و توانایی، قابل قبول است که علاوه بر هدف فوق، رسالت رسیدن به مرجعیت علمی در میان دانشگاه‌های معتبر جهان نیز از جانب رهبر معظم انقلاب اسلامی بر دوش این دانشگاه قرار داده شده است.

خوشبختانه دستاوردها و تجربه‌ها که شناخت نسبتاً دقیقی از چالش‌ها و آسیب‌ها را نیز به دنبال داشته، این امکان را برای دانشگاه فراهم کرده که در جهت تحقق منویات عالی خود، برنامه‌های کلان و بنیادی را تدوین و اجرا کند. یکی از این برنامه‌ها «نظام‌نامه‌ی تربیتی و برنامه‌ریزی درسی» دانشگاه است که طراحی آن از سال ۱۳۹۱ در اداره کل برنامه‌ریزی و ارزیابی آموزش معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی آغاز شده و در سال ۱۳۹۴ پایان یافته است. این نظام‌نامه مشتمل بر سه قسمت است که هر قسمت در یک مجلد ارائه شده است. قسمت اول شامل «مبانی نظام تربیتی» است و قسمت‌های دوم و سوم نیز «نظام‌نامه‌ی تربیتی» و «نظام برنامه‌ریزی درسی» را دربر دارند. این مجموعه‌ی تفصیلی دارای یک جلد خلاصه شده است که دسترسی برنامه‌ریزان و مجریان را به موارد کاربردی تسهیل می‌کند.

این مجموعه مبنا و نقشه‌ی راه حرکت تربیتی دانشگاه، در همه‌ی ابعاد تربیت، به‌خصوص تربیت علمی است. همچنین، این مجموعه منبع استخراج معیارهای سنجش برنامه‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های اجرایی در بخش‌های مختلف تربیتی، آموزشی، پژوهشی و اجرایی است و به‌طور اخص مسیر برنامه‌ریزی رشته‌های دانشگاه و هر واحد درسی را معین می‌کند.

از آنجاکه این دانشگاه در حوزه‌ی معارف اسلامی و علوم انسانی فعالیت می‌کند، این نظام‌نامه حرکت به‌سوی تولید برنامه و محتوا منطبق با مبانی و موازین اسلامی در رشته‌های علوم انسانی را نیز تسریع می‌کند.

این مجموعه دارای ویژگی‌های زیر است:

۱- تکیه بر معارف و آموزه‌های قرآن کریم و سنت و سیره‌ی پیامبر اکرم و اهل‌بیت بزرگوار ایشان (علیهم‌السلام) و استفاده از علوم مختلف در ذیل این معارف و آموزه‌ها؛ به‌طوری‌که می‌توان این مجموعه را نمونه‌ای از تولید علم انسانی منطبق با مبانی اسلامی به‌شمار آورد.

۲- بهره‌مندی از اندیشه‌های شاگردان ممتاز مکتب قرآن و اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی (رحمه‌الله)، علامه طباطبائی (رحمه‌الله)، استاد شهید مطهری (رحمه‌الله)، مقام معظم رهبری (دام‌ظله) و مرحوم آیت‌الله مهدوی‌کنی (رحمه‌الله).

۳- استفاده از اسناد تولیدشده در چند سال اخیر، مانند نقشه‌ی جامع علمی کشور، مهندسی فرهنگی، سند تحول آموزش و پرورش و برنامه‌ی درسی ملی و نیز دستاوردهای برخی مجامع آموزشی و پژوهشی کشور نظیر جامعه‌المصطفی‌العالمیه، مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه‌الله)، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و نیز اسناد تولیدشده در دانشگاه.

۴- ارائه‌ی یک برنامه‌ی جامع، شامل «مبانی برنامه»، «نظام‌نامه‌ی تربیتی» و «نظام برنامه‌ریزی درسی» در قالب یک طرح جامع.

۵- تولید نظریه‌ی تربیتی و نظریه‌ی تربیت علمی (یادگیری) با اتکا به معارف اسلامی و آثار علمی دانشمندان مسلمان.

۶- استخراج دلالت‌های «مبانی برنامه» و استفاده از آنها در تدوین «نظام‌نامه‌ی تربیتی» و نیز استخراج دلالت‌های «نظام‌نامه‌ی تربیتی» و استفاده از آنها در تولید «نظام برنامه‌ریزی درسی»، به‌منظور حفظ ارتباط طولی این سه قسمت و پیوند وثیق میان آنها.

۷- توجه به آسیب‌ها و چالش‌های تربیتی و برنامه‌ریزی درسی موجود در دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) و سایر جوامع دانشگاهی و همچنین مسأله‌ها و چالش‌های جهانی.

۸- توجه به انعطاف و پویایی برنامه و نظارت و ارزشیابی از برنامه، به‌منظور شاداب و پویا ماندن آن.

۹- اتخاذ رویکرد استقلالی در تولید برنامه و حفظ اصالت آن درعین استفاده از دستاوردهای دیگران.

از خداوند حکیم و مدبر که توفیق تولید این مجموعه را عنایت فرمود، سپاسگزاریم و الطاف مخصوص امام عصر (علیه‌السلام) را از او طلب می‌کنیم. از همه‌ی اندیشمندان و استادانی که با نقد و راهنمایی و پیشنهادهای خود به

اتقان این مجموعه کمک کرده‌اند، قدردانی می‌نماییم. از ریاست محترم دانشگاه حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر محمدسعید مهدوی‌کنی که با توجه خاص، هدایتگر این طرح تا سرانجام مطلوب آن بودند، تشکر می‌کنیم و به روح پر فتوح حضرت آیت‌الله مهدوی‌کنی رحمته‌الله درود می‌فرستیم و علو درجات ایشان را از خداوند خواستاریم.

اهداف طرح:

هدف کلی: تدوین نظام جامع تربیتی و برنامه‌ریزی درسی دانشگاه امام صادق (علیه السلام).

اهداف جزئی:

- ۱- تدوین نظام اعتقادی و ارزشی (مبانی فلسفی) نظام‌نامه‌ی تربیتی دانشگاه؛
- ۲- تدوین فلسفه‌ی وجودی برنامه‌های درسی دانشگاه؛
- ۳- ارائه نظریه‌ی تربیتی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرا به انسان؛
- ۴- ارائه‌ی نظریه‌ی یادگیری متناسب با نظریه‌ی تربیتی ارائه‌شده؛
- ۵- تعیین اهداف کلان مجموعه برنامه‌های درسی دانشگاه؛
- ۶- ارائه‌ی چارچوب الگویی تدوین برنامه‌ی درسی هر رشته‌ی تحصیلی؛
- ۷- تدوین اصول کلان انتخاب و سازمان‌دهی محتوا؛
- ۸- تعیین اولویت‌های آموزشی به‌منظور تثبیت رشته‌های تحصیلی موجود و ارائه‌ی پیشنهادهای جدید؛
- ۹- تعیین ملاک‌ها، معیارها و مؤلفه‌های ارزیابی از برنامه‌های درسی؛
- ۱۰- تنظیم فرایند ارزیابی مستمر، پویایی و ارتقاء نظام جامع برنامه‌ریزی درسی و برنامه‌های تابع آن؛
- ۱۱- تعیین شاخصه‌ها و صلاحیت‌های علمی و اخلاقی دانشجویان ورودی به دانشگاه؛
- ۱۲- تعیین شاخصه‌های علمی و اخلاقی دانشجویان فارغ‌التحصیل؛
- ۱۳- تدوین نظام ارزشیابی پیشرفت تحصیلی دانشجو؛
- ۱۴- ارائه‌ی پیشنهادات و راهکارهایی جهت شناسایی و هدایت استعدادها و ویژه و نخبه همراه با برنامه‌های درسی خاص؛
- ۱۵- تدوین نظام ارزشیابی اخلاقی و تربیتی دانشجو؛
- ۱۶- تدوین شاخصه‌های سبک زندگی دانشجویی در دانشگاه؛
- ۱۷- تدوین شاخصه‌های محیطی تأثیرگذار در فرایند تربیت؛
- ۱۸- تعیین شاخص‌های جذب استاد و تدوین نظام ارتقاء علمی و مهارتی وی؛
- ۱۹- تدوین اصول حاکم بر روش‌های یاددهی و یادگیری؛
- ۲۰- تدوین نظام ارزشیابی استاد.

ضرورت انجام طرح:

در دهه‌ی اخیر، مطالعات تربیتی با رویکرد اسلامی در کشور از رشد کمی و کیفی قابل توجهی برخوردار بوده است. اساتید فرهیخته و مجموعه‌های متولی مباحث تربیتی در کشور، هریک به‌نوعی در این راستا، دستاوردهای قابل توجهی ارائه کرده‌اند. برخی از این آثار در قالب کتاب و مقالات و برخی در قامت نظام‌نامه‌ی تربیتی و در مواردی حتی تهیه‌ی اسناد معتبر و بالادستی در نظام علمی و تعلیم و تربیت کشور، صورت پذیرفته است. دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) نیز در این زمینه تلاش‌های قابل توجهی داشته است. دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) با توجه به رسالت خویش در عرصه‌ی علم‌آموزی و تعلیم و تربیت اسلامی و با توجه به دغدغه‌های بنیان‌گذاران آن از بدو تأسیس در ارائه‌ی الگوی دانشگاه اسلامی و همچنین منویات و انتظارات مقام معظم رهبری (دام‌ظله) از این مجموعه در تحقق شعار مرجعیت علمی و تربیت اسلامی، اقدام به تدوین «نظام جامع تربیتی و برنامه‌ریزی درسی» کرده است تا ضمن پاسخ‌گویی به مسائل جاری جامعه‌ی علمی کشور، از جمله تدوین و بازنگری سرفصل‌های دروس با رویکرد اسلامی در برخی رشته‌های علوم انسانی، مسائل اساسی و مبنایی نظام آموزشی و تربیتی (به‌معنای عام) و این دانشگاه به‌عنوان نمونه‌ای مثال‌زدنی از دانشگاه اسلامی را مورد توجه و بازنگری قرار دهد.

ضرورت اصلی این طرح به رسالت بنیادین دانشگاه بازگشت می‌کند. هر نظام دانشگاهی که رسالت تعلیم و تربیت در حوزه یا حوزه‌هایی خاص از دانش را برعهده دارد، نیازمند نظام‌نامه‌ی مدون و مصوب شامل مبانی نظام تربیتی، نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی است. این مجموعه، مبنا و نقشه‌ی راه حرکت تعلیمی و تربیتی دانشگاه و معیار سنجش تمامی تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌ها در عرصه‌های مختلف تربیتی، آموزشی و پژوهشی است. با توجه به اینکه این دانشگاه فاقد چنین نظام‌نامه‌ی جامعی است، اجرای این طرح برای رسیدن به آن ضروری است.

همچنین از آنجاکه این دانشگاه در حوزه‌ی علوم انسانی فعالیت می‌کند و قرار بر آن است که آموزش‌های رشته‌های مختلف این علوم منطبق بر معیارهای دینی بوده و ریشه در معارف اسلامی داشته باشد، طرح جامعی که مسیر انجام این هدف را نشان دهد و از مبانی اسلامی و علم برنامه‌ریزی درسی سرچشمه گرفته باشد، ضروری است. این مجموعه می‌تواند به این نیاز پاسخ دهد و حرکت به‌سوی علوم انسانی منطبق بر موازین اسلامی را تسریع کند.

سوالات طرح:

- ۱- دلایل تدوین نظام تربیتی و برنامه‌ریزی درسی کدامند؟
- ۲- چگونه می‌توان یک برنامه‌ی درسی مبتنی بر مبانی و معارف اسلامی طراحی کرد؟
- ۳- مبانی فلسفی و اعتقادی برنامه‌ریزی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) چیست؟ نظریه‌ی تربیتی و همچنین نظریه‌ی یادگیری در دانشگاه امام صادق (علیه السلام) چه می‌تواند باشد؟
- ۴- نظام تربیتی که باید مبنای برنامه‌های درسی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) قرار بگیرد، کدام است؟
- ۵- برنامه‌ی درسی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) پاسخ‌گوی کدام دسته از نیازهای جامعه است؟
- ۶- چالش‌ها و آسیب‌های تأثیرگذار بر برنامه‌های درسی و نظام آموزشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) کدامند؟
- ۷- فلسفه‌ی وجودی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در دهه‌ی چهارم انقلاب اسلامی چه تغییری کرده است؟
- ۸- رویکرد اصلی حاکم بر تدوین برنامه‌های درسی در دانشگاه چه باید باشد؟
- ۹- مؤلفه‌های اصلی برنامه‌ریزی درسی مطلوب، اعم از هدف، محتوا، روش و ارزشیابی از چه ویژگی‌هایی در نظام تربیتی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) برخوردار هستند؟
- ۱۰- مؤلفه‌های اصلی برنامه‌های درسی مطلوب، اعم از استاد، دانشجو، محیط، یادگیری از چه ویژگی‌هایی در نظام تربیتی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) برخوردار هستند؟
- ۱۱- ضرورت و بایسته‌های توجه به مسائل اخلاقی و سبک زندگی دانشجویی در نظام تربیتی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) چیست؟
- ۱۲- ملاک‌ها، معیارها و مؤلفه‌های ارزیابی از برنامه‌های درسی، استاد و دانشجو چیست؟
- ۱۳- نخبه‌گرایی به‌عنوان یکی از راهبردهای حاکم بر برنامه‌های درسی، چه اقتضائاتی خواهد داشت؟
- ۱۴- ویژگی‌ها و شاخصه‌های بارز فضای علمی و آزاداندیشی در دانشگاه چیست؟

ویژگی‌های طرح:

- ۱- بهره‌مندی از رهنمودهای مقام معظم رهبری دامه‌عزله درباره‌ی علوم انسانی، دانشگاه، حوزه و نیز دیدگاه‌های آیت‌الله مهدوی‌کنی رحمته‌الله ریاست فقید دانشگاه؛
- ۲- بهره‌مندی از پشتوانه‌های پژوهشی و اسناد تولیدشده‌ی چندسال اخیر در کشور (مانند نقشه‌ی جامع علمی کشور، طرح مهندسی فرهنگی کشور، سند تحول در آموزش و پرورش) و نیز اسناد تدوین‌شده در دانشگاه؛
- ۳- بهره‌مندی از تجارب و دستاوردهای برخی مجامع آموزشی و پژوهشی مشابه دانشگاه امام صادق علیه‌السلام در کشور نظیر جامعه‌المصطفی‌العالمیه، مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و...؛
- ۴- بهره‌مندی از تجارب برخی از مراکز آموزشی در جهان، به‌خصوص جهان اسلام؛
- ۵- ارائه‌ی «مبانی نظام تربیتی»، «نظام‌نامه‌ی تربیتی» و «نظام برنامه‌ریزی درسی» در قالب یک طرح جامع؛
- ۶- استخراج دلالت‌های موردنیاز برای طراحی «نظام‌نامه‌ی تربیتی» از «مبانی نظام تربیتی» و دلالت‌های مورد نیاز برای طراحی «نظام برنامه‌ریزی درسی» از «نظام‌نامه‌ی تربیتی»؛
- ۷- اخذ بخش اعظم گزاره‌ها در «مبانی نظام تربیتی» و «نظام‌نامه‌ی تربیتی» از معارف قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام و شاگردان مکتب قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام (از جمله امام خمینی، علامه طباطبائی، شهید مطهری و...؛
- ۸- تولید نظریه‌ی تربیتی و نظریه‌ی یادگیری از معارف اسلامی و آثار علمی دانشمندان اسلامی و استفاده از آن در برنامه‌ی درسی؛
- ۹- محوریت رشد ابعاد فطری انسان در «نظام‌نامه‌ی تربیتی»؛
- ۱۰- توجه به مسأله‌ها، آسیب‌ها و چالش‌های تربیتی و برنامه‌ریزی درسی موجود در سطح دانشگاه امام صادق علیه‌السلام و نیز در جامعه‌ی ایران و همچنین مسأله‌ها و چالش‌های جهانی؛
- ۱۱- تبیین رویکرد عام تربیتی و رویکرد خاص تربیت علمی؛
- ۱۲- توجه به ویژگی‌ها و تفاوت‌های جنسیتی؛
- ۱۳- قابلیت پاسخ‌گویی به طیف گسترده‌ای از دانشجویان از حیث توانایی علمی با حفظ راهبرد نخبه‌گرایی؛
- ۱۴- توجه به تدوین شاخص‌های اخلاقی و سبک زندگی دانشجویی همراه با تدوین شاخص‌های علمی دانشجویان؛
- ۱۵- توجه شایسته به ارزشیابی در تعامل با برنامه‌ریزی درسی؛
- ۱۶- انجام بیش از ۶۰ مصاحبه با اساتید صاحب‌نظر در داخل دانشگاه جهت شناسایی آسیب‌ها و فرصت‌های متوجه برنامه‌ریزی درسی و آموزشی در دانشگاه؛
- ۱۷- انعطاف و پویایی درونی برنامه؛
- ۱۸- استفاده از دانش برنامه‌ریزی درسی.

نتایج کاربردی طرح برای دانشگاه:

این مجموعه، مبنا و نقشه‌ی راه حرکت تعلیمی و تربیتی دانشگاه و معیار سنجش تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی است. به عبارت دیگر، این مجموعه کلان‌ترین پروژه‌ی دانشگاه بوده است که مبنای برخی از پروژه‌های برنامه‌ی توسعه‌ی اول دانشگاه است.

در قسمت «مبنای نظام تربیتی»، جهان‌بینی و نوع بینش نسبت به خدا، جهان، انسان و علم بیان می‌شود و از این حیث می‌تواند نگاه واحدی در مجموعه‌ی دانشگاه پدید آورد. در قسمت «نظام‌نامه‌ی تربیتی»، تعریف، رویکرد و ابعاد تربیت، مبنای واحدی برای تربیت ارائه می‌دهد و وظیفه‌ی هر نهاد را نسبت به تربیت مشخص می‌کند. در قسمت «نظام برنامه‌ریزی درسی»، رویکرد مبنایی نسبت به برنامه‌ریزی درسی، نحوه‌ی تلفیق و معاضدت علوم انسانی - اسلامی، اصول کلی رشته‌های تحصیلی و دروس تخصصی و معارف اسلامی هریک از آنها، ساختار مشترک برنامه‌ی هر ماده‌ی درسی، راهکارهای تولید برنامه‌های درسی اسلامی، اصول کلی تولید مواد آموزشی، روش‌ها و فنون تربیت علمی، اصول حاکم بر ارزشیابی، جایگاه و شاخص‌های استاد و دانشجوی طراز دانشگاه و تبیین وظیفه‌ی هر نهاد دانشگاه در تحقق نظام جامع تربیتی و برنامه‌ریزی درسی دانشگاه را تبیین می‌کند.

با توجه به این نکات، همان‌طور که نمایان است راهبردها و رهنمودهایی برای برخی دیگر از پروژه‌های کلان دانشگاه وجود دارد؛ پروژه‌هایی نظیر: «بررسی راهبردهای تولید دانش دینی تخصصی سازمان‌یافته و پیشنهاد راهبرد و روش‌های اجرایی موردنیاز دانشگاه»، «بررسی راهبردهای عرضه‌ی خدمات اجتماعی و فرهنگی در حوزه‌ی تبلیغ و ترویج و ارائه‌ی راهکارهای پیشنهادی برای دانشگاه»، «بررسی و طراحی فرایندهای شناسایی، جذب و نگهداری اعضای هیئت علمی»، «بازنگری در فرایند و شاخص‌های گزینش دانشجویان» و «طراحی نظام جامع ارزشیابی»، می‌توانند راهبردها و نکات راهنمای متعددی را از این مجموعه دریافت کنند، که در صورت نیاز قابل عرضه خواهد بود.

با توجه به تصمیم دانشگاه برای بازبینی برنامه‌های درسی رشته‌ها، نیازسنجی برای رشته‌های جدید و اصلاحات اساسی در فرایندها و روش‌های آموزشی و تربیتی، این طرح می‌تواند مبنا و راهنمای عمل برای تحولات مذکور قرار گیرد. ضمناً بعد از اجرای این طرح در دانشگاه به عنوان یک نمونه از نظام تربیتی کشور، این طرح برای وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و آموزش و پرورش و سایر نهادهای تربیتی قابلیت تعمیم دارد.

برخه مستندات مورد استفاده در تهیه طرح:

- ۱- بهره‌مندی از معارف قرآن کریم و سنت و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت معصومین علیهم السلام؛
- ۲- اندیشه‌ها و رهنمودهای بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی رحمه الله و مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای دامت الله تعالی؛
- ۳- بهره‌مندی از رهنمودهای ریاست فقید دانشگاه، حضرت آیت الله مهدوی کنی رحمه الله؛
- ۴- بهره‌مندی از تجارب سی ساله‌ی این دانشگاه و دانش تبلور یافته از آن، با مصاحبه‌ی با مدیران و اساتید و مراجعه‌ی به اسناد پیشین؛
- ۵- آثار دانشمندان اسلامی آشنا به معارف قرآن و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت معصومین علیهم السلام؛
- ۶- تجارب و دستاوردهای برخی مجامع آموزشی و پژوهشی مشابه دانشگاه امام صادق علیه السلام در کشور نظیر جامعه المصطفی العالمیه، مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و... در زمینه‌ی تولید نظام‌نامه‌ی تربیتی و برنامه‌ریزی درسی؛
- ۷- تجارب برخی از مراکز آموزشی در جهان، به‌خصوص جهان اسلام در زمینه‌ی مذکور؛
- ۸- طرح‌ها و برنامه‌های کلان علمی و آموزشی کشور، مانند نقشه‌ی جامع علمی کشور، سند تحول در آموزش و پرورش، اسناد تولید شده برای تحول در علوم انسانی در آموزش عالی؛
- ۹- نقطه‌نظرات دانشجویان و فارغ‌التحصیلان موفق دانشگاه.

راهنمای مطالعه‌ی طرح:

این مجموعه در دو قالب تفصیلی و خلاصه تدوین شده است. بخش تفصیلی آن شامل سه بخش است که در سه مجلد به ترتیب با عنوان‌های:

۱) مبانی نظام تربیتی؛

۲) نظام‌نامه‌ی تربیتی؛

۳) نظام برنامه‌ریزی درسی،

ارائه شده است.

همان‌طور که بیان شد از ویژگی‌های این طرح پیوستگی هریک از این سه بخش با یکدیگر است؛ به‌طوری‌که از «نظام‌نامه‌ی تربیتی» برمبنای «مبانی نظام تربیتی»، و «نظام برنامه‌ریزی درسی» مبتنی بر «نظام‌نامه‌ی تربیتی» طراحی شده است.

در بخش اول (مبانی نظام تربیتی)، در انتهای هر فصل، چالش‌ها و نشانگرها (دلالت‌ها) بی‌بیان شده است. چالش‌ها ناظر به آسیب‌ها و مشکلات تربیتی است که در جوامع غربی و به تبع مسائل و چالش‌هایی که در جوامع اسلامی به وجود آورده است. نشانگرها (دلالت‌ها) نیز به‌عنوان نکاتی است که برخاسته از آن مبانی، در بخش دوم (نظام‌نامه‌ی تربیتی) یا سایر فصل‌های مبانی نظام تربیتی، از جمله انسان‌شناسی، قابل استفاده است. لذا در جدول نشانگرها، ستونی به‌عنوان «ارتباط با نظام‌نامه‌ی تربیتی» اضافه شده است که نشان می‌دهد این مطلب، با کدام قسمت از نظام‌نامه‌ی تربیتی مرتبط است و براساس کد و شماره‌ای که برای هر «نشانگر (دلالت)» در نظر گرفته شده است به «نظام‌نامه‌ی تربیتی» ارجاع داده شده است.

در بخش دوم (نظام‌نامه‌ی تربیتی) نیز ابتدای هریک از بندهای آن با مبانی نظام تربیتی، در قالب جدول‌هایی در ستون کناری متن اصلی مشخص شده است؛ همچنین در بخش سوم (نظام برنامه‌ریزی درسی) ابتدای مباحث آن با بخش دوم (نظام‌نامه‌ی تربیتی) مشخص شده است.

ضمن اینکه در این دو بخش، نکات کلیدی و قابل توجهی که در متن اصلی موجود است، در ستون کناری آن نمایش داده شده است.

جلد اول: مبانی نظام تربیتی

فصل اول: مباحث عام

«مباحث عام» یا «امور عامه» شامل مباحث عقلی است که مبنا و مقدمه‌ی سایر مباحث در علوم الهی یا انسانی و طبیعی است و موضع‌گیری درباره‌ی هر کدام از این مباحث در سایر شاخه‌های معرفت تأثیر خاص خود را دارد. به‌طور مثال، تصدیق به حقیقت خارجی وجود، یا همان اصل رئالیسم، مقدمه‌ی اثبات هر حقیقت دیگری در خارج است. همچنین منتهی شدن سلسله واجب‌الوجودهای بالغیر به واجب‌الوجود بالذات، اصل دیگری است که امکان اتکای جهان به خالق که خودش مخلوق نباشد را فراهم می‌کند. کلی بودن قانون علیت نیز این حکم را برای ما دارد که هیچ معلولی را از داشتن علت مستثنی نمی‌کند و کسی نمی‌تواند با اتکاء به استثنایپذیر بودن علیت، منکر علت اولی برای جهان شود.

البته، اصول طرح‌شده در «امور عامه» یک مجموعه منسجم با یکدیگر را تشکیل می‌دهند که دلالت‌های برخی از آنها در سایر شاخه‌های معرفت به‌روشنی و بدون واسطه قابل ردیابی است و برخی دیگر با واسطه و تا اندازه‌ای مخفی‌تر تأثیرگذار هستند.

فصل دوم: معرفت‌شناسی

این فصل به تبیین دیدگاه اسلامی (اصل رئالیسم) نسبت به مسأله شناخت می‌پردازد. براساس اصل رئالیسم، خارج از ذهن انسان واقعی هست که امکان شناخت و ادراک آن هست. وجه ممیزه دیدگاه اسلامی نسبت به دیگر مکاتب معرفتی در تقسیم علم به حضوری و حصولی است و اینکه هر علم حصولی به علمی حضوری بازمی‌گردد. علم حضوری، یعنی علمی که عین واقعیت معلوم پیش عالم حاضر است و علم حصولی، یعنی صرفاً مفهوم و تصویری از معلوم پیش عالم حاضر است. درواقع، علم حصولی همان حیث کاشفیت و مابازاء داشتن و نشان دادن صورتی است که به علم حضوری نزد نفس حاضر است. از آنجاکه دانش‌های طبیعی و اجتماعی، عموماً مربوط به علم حصولی هستند، بیشتر گزاره‌هایی که در بخش معرفت‌شناسی می‌آید، مربوط به علم حصولی است.

تقسیم مهم دیگری که در دیدگاه اسلامی مطرح است، تقسیم علم و حکمت به حکمت نظری و عملی و به عبارت دیگر، علم حقیقی و اعتباری است. علم حقیقی درباره‌ی «هست‌ها» و «نیست‌ها» و علم اعتباری درباره‌ی «بایدها» و «نبایدها» بحث می‌کند. ادراکات و علوم حقیقی تابع خواست و نیاز و اراده‌ی انسان نیست، اما ادراکات و علوم اعتباری تابع نیاز انسان است. البته اگر نیازی مانند نیازهای فطری، ثابت و پایدار باشد و در همه زمان‌ها و مکان‌ها وجود داشته باشد، علم اعتباری مربوط به آن نیز پایدار و ثابت خواهد بود. ادراکات و علوم حقیقی ذاتاً مطلق، دائم و ضروری هستند، اما ادراکات اعتباری ذاتاً چنین نیستند. دوام و اطلاق آنها وابسته به دوام و اطلاق غایت و هدفی است که آن ادراکات و علوم، برای آنها وضع شده‌اند. رابطه این دو به گونه‌ای است که حکمت عملی و علوم اعتباری تحت تأثیر حکمت نظری و علوم حقیقی است؛ منتها نه از سنخ استنتاج قیاسی و منطقی.

از آنجاکه موضوع بحث علوم اجتماعی ناظر به مسائل و موضوعات اجتماعی است، پرداختن به این علوم به عنوان یک نظام معرفتی ضروری است. در هر رشته‌ی علمی مجموعه‌ی گزاره‌ها دارای ارتباط و پیوند خاصی (در موضوع یا غایت) هستند که می‌توان نام یک مجموعه بر آنها نهاد. از جمله این علوم، علوم انسانی و اجتماعی است. این علوم به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱) علوم انسانی پایه: شاخه‌هایی از علوم انسانی که از جهت رتبی و اولویت منطقی بر سایر علوم این رشته تقدم دارد و شاخه‌های دیگر از این علوم تغذیه می‌کنند. این علوم عبارتند از: روان‌شناسی یا علم النفس، جامعه‌شناسی و دانش خانواده.

۲) علوم انسانی مرتبه‌ی دوم: شاخه‌هایی هستند که منطقی بر علوم پایه‌ی انسانی استوارند و تحت تأثیر دیدگاه‌های دانشمند در علوم پایه‌ی انسانی شکل می‌گیرند. اهم این علوم عبارتند از: علم اقتصاد، علم حقوق، علوم تربیتی و اخلاق، علم سیاست، علم فرهنگ و ارتباطات، مدیریت. این بخش از علوم انسانی هستند که به شدت با گزاره‌های تجویزی و اعتباری آمیخته‌اند و متکی بر اعتقادات و غایات و آرمان‌ها هستند و برای رسیدن به اهداف خاص اعتبار شده‌اند و وجه تجویزی و اعتباری آنها بر وجه خبری غالب است. از این رو این علوم در دانش‌های اعتباری نیز قرار می‌گیرند.

فصل سوم: خداشناسی (توحید)

از این فصل به بعد، سعی دارد براساس معرفت‌شناسی تبیین‌شده در فصل قبل، به تبیین هستی‌شناسی و انسان‌شناسی بپردازد.

در فصل سوم سعی در شناخت ذات احدیت و نقطه‌مقابل آن شرک و اقسام آن دارد. جهان هستی، هم از نظر مبدأ و هم از نظر غایت، یک قطبی، یک‌کانونی و یک‌محوری است. توحید به دو قسم «توحید نظری» و «توحید عملی» تقسیم می‌شود. توحید نظری دارای سه مرتبه است: توحید ذاتی، توحید صفاتی و توحید افعالی. توحید عملی نیز همان توحید در عبادت است که به معنی این است که تنها خدا می‌تواند مطاع و قبله و جهت حرکت و غایت قرار دادن و طرد هر مطاع و جهت و قبله‌ی دیگر. بنابراین اولاً غایت تربیت، قرب الهی است و ثانیاً نظام تعلیم و تربیت اسلامی باید انسان را به بندگی خداوند سوق دهد و از بندگی هر موجود دیگر رها کند.

با قبول توحید، شرک در همه‌ی ابعاد و اقسام آن نفی می‌شود: شرک در ذات، شرک در صفات ذاتی و شرک در صفات فعلی. در جهان مدرن و تمدن جدید اعتقاد به شرک، به معنای اعتقاد به چند خدا و چند خالق جایگاهی ندارد، اما هم توصیفی مبهم و مخدوش از خداوند ارائه می‌شود و هم مراتبی از شرک، بخصوص شرک در ربوبیت، شرک در ولایت، شرک در عبادت و شرک در نظام اجتماعی به‌طور گسترده در شاکله تمدن جدید ریشه دارد؛ به‌طوری که می‌توان شرک جدید را یکی از ارکان تمدن جدید بشمار آورد. یکی از نمونه‌های آن اومانیسم و انسان‌محوری است که به‌جای توحید و خدامحوری، سبب شده عنایت انسان در تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای خود از خدا به‌سوی انسان تغییر جهت دهد و به‌جای رضای خداوند، رضای خود و دستیابی به تمنیات و آرزوهای دنیایی خود را مقصد و محور تصمیم‌گیری‌ها کند.

فصل چهارم: خلقت‌شناسی

جهان آفریده‌ی خداوند حکیم و قادری است که مستجمع جمیع کمالات است و دارای حقیقتی «از اویی» و «به‌سوی اویی» است. اجزای این جهان اعضای یک اندام زنده است که مانند یک ارگانیسم عمل می‌کنند و هر جزء با سایر اجزاء ارتباط حقیقی دارد. موجودات و مخلوقات این عالم در نسبت با خداوند، از قبیل «ظهور»، «آیه» و «جلوه» است که پیش از آنکه خود را نشان دهند، خداوند را نشان می‌دهند. نیازمندی این مخلوقات به خداوند، منحصر به مرحله‌ی به‌وجود آمدن نیست، بلکه در تمام مدت هستی و بقا نیز این نیازمندی برقرار است. هر مخلوقی، از آن جهت که مخلوقی خاص است و از سایر مخلوقات متمایز است، دارای اوصاف و ویژگی ذاتی می‌باشد که عین خلقت او و وجود او است. لذا تفاوت بین موجودات تبعیض محسوب نمی‌شود، چراکه تبعیض به معنی این است که در شرایط مساوی و استحقاق‌های همسان و قابلیت‌های مشابه، بین اشیاء فرق گذاشته شود. همچنین متناسب با خلقت ویژه‌ی خود، غایات بالذات دارند؛ که با تدبیر و تکمیل و سوق دادن الهی، همه‌ی اشیاء به‌سوی کمالات و خیرات لایق خود در حرکت می‌باشند. بنابراین همه عالم خیر است

و اگر شری در عالم دیده می‌شود، شر بودنشان از نظر وجود اضافی و نسبی آنها به اشیای دیگر است، نه از نظر وجود فی‌نفسه آنها.

مجموعه مراتب جهان، در نسبت با قوه‌ی ادراک و احساس انسان، به دو مرتبه‌ی غیب و شهادت تقسیم می‌شود. این تقسیم، این دلالت را در پی خواهد داشت که ابزار معرفت انسان منحصر به ابزار شناخت عالم طبیعت نیست و انسان توانایی درک حقایق غیب عالم را نیز دارد. علاوه‌براینکه علم باید به‌نحوی باشد که ایمان عالم به غیب را تقویت نماید و به انکار مراتب عالی وجود منجر نشود.

اگرچه از یک نظر جهان آخرت، غیب است و جهان دنیا شهادت، ولی از آن نظر به مرتبه‌ی غیب، آخرت گفته می‌شود که انسان، بعد از زندگی در دنیا به جهان آخرت می‌رود؛ یعنی آخرت جهانی است که انسان به‌سوی آن بازگشت می‌کند.

جهان دارای یک نظام و ترتیب طولی است که ناشی از نظام علیت است. نظام علیت، ترتیب در آفریدن و خلق اشیاء است و ترتیب در فاعلیت خدا نسبت به اشیاء و خلق آنهاست. در نظام طولی جهان، مخلوقات برتر واسطه فیض مراتب پایین‌تر هستند. این وسائط عبارتند از:

- حقیقت محمدیه و انوار مقدسه اهل بیت معصومین (علیهم‌السلام)
- عرش
- لوح و قلم (کتاب)
- لوح محو و اثبات
- فرشتگان
- جن و شیطان

علاوه‌بر نظام طولی، نظام دیگری بر خصوص جهان طبیعت حاکم است که شرایط مادی و اعدادی به‌وجود آمدن یک پدیده را تعیین می‌نماید. به‌موجب این نظام، که نظام عرضی نامیده می‌شود، هر حادثه در زمان خاص و مکان خاص و با عوامل اعدادی خاص پدید می‌آید و زمان خاص و مکان خاص، ظرف حوادث معین هستند.

نظام جهان به تقدیر و قضای الهی است. موجودات جهان، از آن‌جهت که خداوند حکیم، با علم و حکمت خود حدود، اندازه و ویژگی‌های آنها و نحوه‌ی ارتباط آنها با یکدیگر را تعیین می‌کند، مقدر به تقدیر الهی هستند. علاوه‌براین، نظام جهان با «قضا» و حکم و اراده‌ی او تحقق و عینیت می‌یابد. «قضا» به‌معنای به‌انجام رساندن،

پایان دادن، حکم کردن و حتمیت بخشیدن است. اراده و مشیت و قضا و قدر الهی به صورت «سنت»، یعنی به صورت قانون و اصل کلی، در جهان جریان دارد. سنت‌های الهی تغییر نمی‌کند؛ آنچه تغییر می‌کند براساس سنت‌های الهی است.

قضا و قدر الهی حتمی است. بیان مطلب اینکه: قانون علیت عمومی ایجاب می‌کند که وقوع هر حادثه‌ای در شرایط مخصوص مکانی و زمانی خودش قطعی و حتمی و غیرقابل تخلف باشد؛ و چون قضا و قدر، ایجاب تقدیر حوادث از طریق علل و معلولات است؛ پس قضا و قدر همین حتمیت و قطعیت است. پس تغییر و تبدیل سرنوشت به معنی قیام عاملی در نقطه‌ی مقابل قضا و قدر یا در جهت مخالف قانون علیت نیست؛ بلکه عاملی که خود از مظاهر قضا و قدر الهی و حلقه‌ای از حلقات علیت است، سبب تغییر و تبدیل سرنوشت می‌شود.

پذیرش این حقیقت تأثیر مبنایی در نظریه‌ی تربیت دارد؛ توضیح اینکه: اختیار انسان، از قضا و قدر جهان است و به واسطه این قدرت، می‌تواند زندگی خود را بسازد. لذا قادر است عملی را که صددرصد با غریزه‌ی طبیعی و حیوانی او موافق است و هیچ مانع خارجی وجود ندارد، به حکم تشخیص و به خاطر مصلحت بالاتر ترک کند و قادر است کاری که صددرصد مخالف طبیعت اوست و هیچ‌گونه عامل اجبارکننده‌ی خارجی هم وجود ندارد، به حکم مصلحت‌اندیشی و نیروی خرد، آن را انجام دهد.

فصل پنجم: فرجام‌شناسی (معاد)

ایمان به آخرت شرط مسلمانی است و اگر کسی این ایمان را از دست بدهد و انکار کند از زمره‌ی مسلمانان خارج می‌شود. اعتقاد به معاد، یعنی اعتقاد به بازگشت به پیشگاه خداوند و ورود به زندگی جاوید در عالم دیگر، بر مبنای اعمالی که انسان در عالم دنیا انجام داده است.

مرگ، نیستی و نابودی و فنا نیست، بلکه انتقال از عالمی به عالم دیگر و از نشئه‌ای به نشئه‌ی دیگر است و حیات انسانی به گونه‌ای دیگر ادامه می‌یابد؛ ابتدا حیات برزخی و سپس حیات اخروی.

از آنجاکه رابطه دنیا و آخرت ظاهر و باطن است، سرنوشت آن حیات در این حیات و به وسیله‌ی خود انسان و با اعمال و اعتقادات او تعیین می‌شود. لذا تجسم اعمال در آخرت، به معنای ارائه گزارش نیست، بلکه به معنی حضور عینی خود عمل است. علاوه بر این شاهدانی در روز قیامت بر اعمال شهادت می‌دهند که البته شهادت

آنها تنها گواهی بر صورت ظاهری آنها نیست، بلکه شهادت بر باطن اعمال و وضعیت آنها از نظر اطاعت و معصیت، یا سعادت و شقاوت نیز هست. این گواهان عبارتند از:

۱- رسول خدا ﷺ که شاهد و گواه بر همه‌ی امم است؛

۲- انبیاء، شهدا و صالحین؛

۳- ملائکه‌ی ثبت‌کننده‌ی اعمال؛

۴- اعضاء و جوارح انسان؛

۵- زمان‌ها و مکان‌های خاص و مقدس.

کسانی که علمشان به شبهات اوهام و خطای اهواء درنیامیخته و نفس آنها بر طهارت اولیه‌ی ذات خویش باقی مانده و به عهدی که با پروردگار خویش بسته‌اند، پایبند بوده‌اند، شفیعان روز آخرت هستند. البته لازم است شفاعت‌شوندگان نیز در دایره‌ی ایمان به خدا قرار گرفته باشند. از اینجااست که ایشان که همان امامان حق هستند، میزان و محور قضاوت در قیامت می‌باشند.

پس از قضاوت و داوری درباره‌ی عقاید، اخلاق و اعمال انسان‌ها در پیشگاه الهی، نیکوکاران و رستگاران را به‌سوی بهشت راهنمایی؛ و آنان که دارای عقاید، اخلاق و اعمال باطل بوده‌اند، به‌سوی جهنم رانده می‌شوند.

فصل ششم: انسان‌شناسی

ازآنجاکه انسان داراری ویژگی‌های ممتازی است که خداوند در فطرت و خلقت انسان به‌ودیعت نهاده و استعداد پیمودن مراتب کمال در همه‌ی ابعاد و رسیدن به لقاءالله را به وی عنایت کرده است، او را بر سایر مخلوقات برتری دارد. او مرکب از دو بعد روح و بدن است؛ که روح محدودیت‌های جسم و ماده را ندارد و فناپذیر و جاودانه است.

انسان در آغاز تولد، بالقوه و به‌نحو امکان استعدادی، خواهان و متحرک به‌سوی یک‌سلسله دریافت‌ها و کمالات متعالی و الهی است؛ که از آن به «فطرت» یاد می‌شود. ویژگی‌های فطری انسان در دو حیطه شناخت و گرایش مطرح است. شناخت‌های فطری مانند پذیرش بدیهیات، تصدیق امور اخلاقی، خداآشنا بودن و قوه تعقل. برای گرایش‌ها و استعدادهای فطری نیز به مواردی مانند حقیقت‌جویی، گرایش به خیر و فضیلت، گرایش به جمال و زیبایی، گرایش به خلاقیت، حس پرستش و نیایش و بی‌نهایت‌طلبی در کمالات می‌توان اشاره کرد.

سه جنبه‌ی مهم فطرت انسان، عقل، قلب و اختیار اوست. کار عقل، تشخیص درست از غلط و خوب از بد است. اگر انسان تابع عقل باشد و عقل را محصور و زندانی هوای نفس نکند، این حجت درونی به توحید می‌رسد. اما اگر قوه‌ی شهوت یا غضب بر وجود انسان حاکم شود و انسان بخواهد فقط به امیال شهوانی یا غضبی خود پاسخ مثبت دهد، در این صورت، قوه‌ی عقل تحت سلطه‌ی قوای شهوت یا غضب یا هردو قرار می‌گیرد و مانند یک مغلوب و اسیر از او بهره‌کشی می‌کنند.

قلب، کنه و حقیقت وجود آدمی است که نه از جنبه‌ی ادراکی جداست و نه از جنبه‌های عاطفی و احساسی. قلب از آن جهت با جنبه‌ی ادراکی ارتباط دارد که هرچه را انسان در تفکر به دست می‌آورد و تصدیق می‌کند، وقتی در رفتار انسان متجلی می‌شود که قلب بدان «تسلیم» شود، و به تعبیر دقیق‌تر، قلب بدان «ایمان» آورد. از جهت دیگر، قلب سرچشمه‌ی حبّ و بغض، اطمینان و اضطراب، ترس و خوف، رحمت و رأفت و بالأخره کانون خُلقیات است. از این رو است که اگر انسان در اندیشه و تعقل چیزی را تصدیق کند، اما قلب تسلیم آن نشود و بدان ایمان نیاورد، منجر به عمل نخواهد شد.

به عکس عقل که ذاتاً روشنایی، نور و هدایتگر است، موقعیت قلب درعین گرایش فطری به خوبی‌ها در ابتدای کار مشخص نیست. اگر آن گرایش‌ها و استعدادها در قلب فعلیت پیدا کند، قلب کانون خوبی‌ها می‌شود. اما اگر به سمت شهوت و غضب روی آورد و به امور دنیایی وابسته شود، به سمت بدی‌ها متمایل می‌گردد. بنابراین، قلب با توجه به عُلقه‌ها و ایمان‌هایی که پیدا می‌کند، جایگاهش روشن می‌شود.

پس از عمل عقل و قلب، اگر انسان به این نتیجه رسید که فواید آن عمل بر مضارّش می‌چربد، آنرا انتخاب و اختیار می‌کند و اگر مضارّ آنرا بیشتر یافت، درعین اینکه ممکن است لذت و خوشی کوتاهی داشته باشد، این عمل را انجام نمی‌دهد.

انسان در مسیر کمال و عبودیت، موانعی در پیش‌رو دارد؛ نفس اماره و شیطان مهم‌ترین این موانع هستند. از آنجاکه انسان دارای حیات اجتماعی است و در محیط خانواده و جامعه رشد می‌کند، شرایط خانوادگی و اقتضائات اجتماعی در رشد و کمال فرد تأثیر می‌گذارند و می‌توانند حرکت او را تسهیل نمایند و شتاب بخشند یا حرکت او را سخت و دشوار نمایند.

زندگی انسان قائم به سنت‌هایی الهی است که از جمله آنها عبارتند از: سنت امتحان و ابتلاء، سنت امداد، سنت توفیق، سنت املاء و استدراج، سنت تفاوت در پاداش و کیفر، سنت تأثیر عوامل معنوی بر حیات مادی و عوامل مادی بر حیات معنوی و سنت‌های خاص حاکم بر جامعه.

براساس وعده‌ی الهی، آینده‌ی نهایی جهان از آن حق است و باطل، شکست خورده، صحنه‌ی حیات اجتماعی بشر را ترک خواهد کرد و حق‌طلبان جهان را اداره خواهند کرد و مردم زندگی خوب و رو به کمالی خواهند داشت.

فضیلت‌شناسی: بنابر انسان‌شناسی اسلامی، خصلت‌های فضیلت‌مند و خوب و زیبا، خصلت‌هایی هستند که ریشه در فطرت آدمی دارند و هر انسانی از آن حیث که انسان است، با گرایش به آنها خلق می‌شود؛ و حتی آن انسانی که به دلایلی بدان‌ها پایبند نیست، در وجدان خود آن خصایل را زیبا می‌شمرد و عمل ناشایست خود را در راستای همین فضائل توجیه می‌کند، یا در عین اذعان به آن فضائل در اینکه نتوانسته پایبند آن فضیلت باشد، خود را مقصر شمارد.

فضائل منبعث از فطرت چون از سنخ کمال هستند و کمالات وجود محسوب می‌شوند، همواره و بدون هیچ قیدی فضیلت هستند و تابع فرهنگ‌ها، سنن و سلیقه‌ها نبوده و تغییر نمی‌کنند و به ردیلت تبدیل نمی‌شوند؛ به‌خصوص اینکه این فضائل کمالاتی هستند که مآلاً اسماء و صفات الهی محسوب می‌شوند یا به یکی از آن اسماء بازمی‌گردند، و نسبی و مقید بودن در آن وجود مطلق که عین کمال و وجود است معنا ندارد.

انسان با فطرت الهی آفریده شده و گرایش به فضائل و خوبی‌ها در ساختار خلقتی وی به‌ودیعت نهاده شده است. از این‌رو محال است که گرایش به ردیلت و گناه نیز در وجود وی تعبیه شده باشد. انسان می‌تواند گناه کند و مرتکب گناه شود، اما علت گناه کردن این نیست که ذاتاً به گناه گرایش دارد. زمینه‌ی پیدایش گناه، مرکب بودن انسان از خود عالی و خود دانی یا خود انسانی و خود حیوانی است. وقتی که انسان توجه افراطی به خود حیوانی می‌کند و شهوات حیوانی خود را اصل قرار می‌دهد و برای رسیدن به این شهوات ناچار می‌شود از حد خود تجاوز کند. از آنجاکه ارتکاب گناه و کسب ردائل با فطرت الهی سازگاری ندارد، انسان در ابتدا با اکراه به سمت گناه می‌رود و مرتکب گناهان کوچک می‌شود و معمولاً در مراحل اولیه احساس ناخوشایندی از عمل خود دارد تا اینکه کم‌کم به عمل زشت عادت کند و به‌آسانی مرتکب گناه شود.

البته مرتبه‌ی حیوانی و خود دانی فی‌حد ذاته نه‌تنها بد نیست، بلکه بخشی از وجود بشر است که باید متناسب با جایگاه خود رشد کند و به کمالات و لذا یذ ویژه‌ی خود دست یابد. گناه و بدی، از آنجا شروع می‌شود که به این بُعد توجه افراطی می‌شود و از بُعد الهی انسان غفلت می‌شود. دین که برنامه‌ی الهی منطبق بر فطرت است، بشر را به‌گونه‌ای تربیت می‌کند که بُعد الهی راه کمال را بپیماید و بُعد حیوانی در حد متعادل رشد کند و نه‌تنها مانع کمال بُعد الهی نگردد، بلکه مسیر آن را هموار نماید و حرکتش را تسهیل کند.

فصل هفتم: دین‌شناسی

خداوند هر موجودی را که آفریده، به‌سوی غایت و هدف معینی که در خلقت وی قرار داده، هدایت می‌کند؛ که بر دو نوع است: هدایت تکوینی (برای همه موجودات) و هدایت تشریعی (برای موجودات مختار). دین عبارت است از محتوای هدایت تشریعی خداوند که به‌وسیله‌ی پیامبران به انسان‌ها ابلاغ می‌شود تا انسان‌ها با پیروی از آن، زندگی سعادت‌مندانه‌ای را در دنیا سامان دهند و به غایت و هدفی که خداوند در فطرت آنان قرار داده، برسند و رستگار شوند.

دین الهی از حضرت آدم (علیه السلام) تا حضرت خاتم‌الانبیاء (صلی الله علیه و آله) واحد است. تفاوت شرایع آسمانی، در سلسله‌ی مسائل فرعی و شاخه‌ای بوده که برحسب مقتضیات زمان، متفاوت می‌شده است؛ یا در سطح تعلیمات که پیامبران بعدی به‌موازات تکامل بشر، در سطح بالاتری تعلیمات خویش را القاء کرده‌اند. لذا هر مکتب دیگری غیر از اسلام، از حقانیت برخوردار نیست و باطل تلقی می‌گردد.

دین اسلام همه‌ی ابعاد حیات انسانی، اعم از فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی، مادی و معنوی او را دربر می‌گیرد و پاسخ‌گوی همه‌ی نیازهای اساسی بشر است. همچنین، رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) یک رسالت جهانی است و به قوم یا ملت یا منطقه‌ی خاصی اختصاص ندارد.

قرآن کریم معجزه‌ی جاویدان خاتم پیامبران است. کتاب ایشان در آن واحد، هم کتاب هدایت مردم است و هم برهان رسالتش؛ و به‌همین دلیل، معجزه‌ی ختمیه، برخلاف سایر معجزات، جاویدان و باقی است نه موقت و زودگذر. پیامبر اسلام، علاوه بر دریافت وحی و ابلاغ و تبیین آن و نیز اسوه و الگو بودن برای جامعه‌ی بشری، ترویج دین و رهبری جامعه را نیز برعهده دارد. وظیفه‌ای که پس از ایشان ازجانب خدا به ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) سپرده شد. پیامبر اکرم و ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) علاوه بر ولایت و زعامت ظاهری، دارای ولایت معنوی یا هدایت به امر نیز هستند. حقیقت امامت همین ولایت معنوی است که ولایت ظاهری نازله آن می‌باشد.

در دوره‌ی غیبت امام زمان (عج)، بنابر فرمان آن حضرت و سخنان و سیره‌ی پیامبر اکرم و ائمه‌ی اطهار (علیهم‌السلام) رهبری و ولایت جامعه‌ی اسلامی برعهده‌ی فقیه واجد شرایط می‌باشد. زیرا اجرای احکام الهی در همه‌ی زمان‌ها و دوران‌ها ضرورت دارد و این امر، جز با تشکیل حکومت و نظام اجتماعی اسلام، که خود یکی از مهم‌ترین احکام الهی است، امکان‌پذیر نمی‌باشد. فقیه‌ی که عهده‌دار ولایت جامعه‌ی اسلامی می‌شود باید باتقوا، عادل، زمان‌شناس، باتدبیر و باکفایت و دارای شجاعت و قدرت روحی باشد و بدون ترس با دشمنان دین مبارزه کند و درمقابل تهدیدها و دشمنی‌ها بایستد و پایداری کند.

جلد دوم: نظام نامه تربیتی

فصل اول: کلیات تربیت

از منظر غایت نهایی، تربیت عبارت است از: مجموعه فعالیت‌های نظام‌مند مربی، مربیان و نهادهای تربیتی به‌منظور رشد همه‌جانبه و انتخاب‌گرانه‌ی استعدادهای فطری مربیان و تقرب آنان به غایات کمالی که خداوند در انسان‌ها به‌ودیعت نهاده، برطبق همان برنامه‌ای که خداوند برای هدایت بشر ارسال کرده است. و از منظر غایت میانی، عبارت است از: مجموعه‌ی فعالیت‌های نظام‌مند مربی، مربیان و نهادهای تربیتی است به‌منظور رسیدن مربیان به مراتبی از شناخت حقایق دین، ایمان مبتنی بر این شناخت و انجام عمل صالح متناسب با آن ایمان.

تربیت و هدایت، نه یک مسئولیت درعرض سایر مسئولیت‌ها، بلکه مسئولیت بنیادی و مبنا و فلسفه‌ی تشکیل حکومت اسلامی است.

فصل دوم: تربیت عقل و قلب

با توجه به اینکه دو ویژگی برجسته و ممتاز فطرت انسانی عقل و قلب اوست، می‌توان گفت که مخاطب و موضوع اصلی تربیت «عقل و قلب» می‌باشند و تربیت، روی این دو پیاده می‌شود.

رشد تعقل و تفکر اولین و مهم‌ترین گام تربیتی است. زیرا فرایند فعل اختیاری انسان از مسیر تفکر و اندیشه می‌گذرد و انسان همواره در حال انتخاب کردن و تصمیم گرفتن از طریق فکر کردن و اندیشه‌ورزی است. این انتخاب‌ها و تصمیم‌ها در صورتی می‌تواند درجهت صلاح فرد و کمال حقیقی وی باشد، که از قوه‌ی عقلانی رشدیافته‌ای بهره‌بردار و توانایی تشخیص خوبی‌ها از بدی‌ها و درست از نادرست را تا حدود زیادی کسب

کرده باشد. همچنین به‌گونه‌ای تربیت شده باشد که قوه‌ی عقل را بر سایر قوای وجودی خود حاکم کرده باشد و آنان را مطیع عقل نموده و فرمانبر وی ساخته باشد. یعنی هم از حیث «عقل نظری» و هم از جهت «عقل عملی» انسان رشدیافته‌ای شده باشد.

یک بعد مهم تربیت عقل، رفع موانع رشد تفکر و تعقل می‌باشد. این موانع به دو دسته‌ی درونی و بیرونی تقسیم می‌شوند. موانع درونی به «هوای نفس» بازمی‌گردد و موانع بیرونی، مواردی مانند محیط ناسالم خانواده، رسانه‌های مخرب اخلاق، برنامه‌های غلط آموزشی در محیط‌های تعلیمی و تربیتی، عملکرد غلط گروه‌های مرجع و تأثیرگذار در تربیت دینی و وجود یک نظام سکولار و ناعادلانه بر جهان.

آنگاه که قوه‌ی عقل در انسان پرورش داده شود و رشد یابد، ابعاد تفکر و خردمندی پدیدار شوند؛ که اهم آنها عبارتند از: تفکر ارزیاب و نقاد، تفکر خلاق، تفکر نظام‌مند (سیستمی) و تفکر فلسفی. برای اینکه قوه‌ی تعقل در انسان رشد کند، لازم است مربیان و برنامه‌ریزان تربیتی و نظام‌های آموزشی، وی را از همان روزهای آغازین زندگی، در محیط خانه، در مدرسه و سپس در دانشگاه در موقعیت تفکر قرار دهند.

اگر تربیت عقل را «تعلیم» و تربیت قلب را «تزکیه» بنامیم، تزکیه و تعلیم باید توأمان صورت گیرد. از آنجاکه ایمان، حفظ قلب است و قلب کانون ایمان می‌باشد، نظام تربیتی باید به استقرار ایمان و باروری آن در قلب بپردازد. برنامه‌ی تربیتی قلب، باید مرتبی را به دو مرتبه‌ی ایمان برساند: ایمان به مبانی و پایه‌های اساسی راه زندگی و ایمان به واجبات و محرمات و مجموعه‌ی اعمال دینی.

برخی از روش‌های تقویت ایمان عبارتند از: تفکر و تأمل در آیات آفاق، تفکر و تأمل در آیات انفسی، تفکر در نعم الهی، ذکر و یاد حق تعالی، معاشرت با اسوه‌های ایمانی و شرکت در مجالس آنها، ارتباط با اموری که یاد خدا را زنده نگه می‌دارند، اجتناب از اموری که سبب ضعف ایمان و یاد خدا می‌شوند، مشارکت در کارهای خیر به‌صورت تعاونی و جمعی و انجام واجبات و دوری از محرمات.

فصل سوم: رویکرد بنیادین نظام تربیتی: رویکرد فطرت‌گرا

رویکرد، پل ارتباطی و محل تلاقی مبانی با برنامه است و چگونگی ظهور و حضور مبانی در برنامه‌ریزی را مشخص می‌کند. از این‌رو رویکرد باید شامل مفهومی باشد که ثمره و نتیجه‌ی مبانی محسوب شود و روح حاکم بر آنها را منعکس نماید. با توجه به این اصل، رویکرد مناسب با نظام تربیتی اسلام، رویکرد فطرت‌گراست. این رویکرد دارای محورهای زیر است:

- غایت‌گرایی؛
- مطلق‌گرایی (درمقابل نسبیت‌گرایی)
- کمال‌گرایی
- جمع میان عقل و قلب
- تکیه بر گرایش انسان به زیبایی
- رشد همه‌جانبه و متعادل
- تأکید بر قدرت خلاقیت انسان
- توجه به ویژگی اختیار انسان

فصل چهارم: ابعاد تربیت

براساس مباحث مطرح‌شده در انسان‌شناسی، تربیت در چهار لایه عرضه می‌گردد:

- لایه‌ی اول مربوط به خود انسان و کمالات فطری وی است که خداوند در نهاد هر فرد قرار داده و وظیفه‌ی به‌فعلیت رساندن آنها را برعهده‌ی هر انسانی است و سعادت وی نیز درگرو شکوفایی آنهاست؛
- لایه‌ی دوم مربوط به خانواده است؛
- لایه‌ی سوم مربوط به جامعه می‌باشد؛ و
- لایه‌ی چهارم مربوط به محیط زیست می‌باشد.

دو نکته اساسی درخصوص ابعاد تربیت، مطرح است:

- ۱) ابعاد تربیت با یکدیگر روابط دوگانه و چندگانه دارند و باید این روابط شناخته شوند و در برنامه‌ریزی تربیتی و درسی مورد لحاظ قرار گیرند.
- ۲) دانش‌های مربوط به ابعاد تربیتی با یکدیگر تلائم و تلاقی و همپوشانی دارند. ازاین‌رو باید همدیگر را تکمیل و تأیید کنند و یار و کمک‌کننده به یکدیگر باشند.

لایه‌ی اول شامل تربیت علمی، تربیت اخلاقی، تربیت زیبایی‌گرایی، تربیت خلاقیت، تربیت عبادی و تربیت جسمانی می‌باشد.

تربیت علمی: این بُعد تربیتی در پاسخ به استعداد فطری علمی و حس حقیقت‌جویی انسان است. تربیت این بذر و شکوفا کردن آن یکی از اهداف اصلی و محوری تربیت به‌شمار می‌رود. علاوه‌براین هر رفتار صحیح و عمل صالح که بخواهد انسان انجام دهد، منوط به دانستن و علم به آن است. همچنین رفع نیازهای زندگی

مانند غذا، لباس، مسکن، علاج بیماری‌ها و تأمین سلامتی و شکل‌دهی تمدن و حیات خانوادگی و اجتماعی نیازمند دانش‌های فراوانی است که در جریان تربیت علمی به‌دست می‌آید.

تربیت علمی شامل دو بخش عمومی و تخصصی است:

(۱) تربیت علمی عمومی: تربیت علمی عمومی، تربیتی مورد نیاز آحاد جامعه‌ی اسلامی است. نظام اسلامی وظیفه دارد برنامه‌ی تربیت علمی را تنظیم نماید و نهادهای رسمی و عمومی کشور مانند آموزش و پرورش، حوزه‌های علمیه و روحانیت، مساجد، رادیو و تلویزیون و سایر نهادهای تبلیغی بدان اهتمام ورزند.

با توجه به رسالت دانشگاه، دانشجویانی که مورد پذیرش قرار می‌گیرند، باید از برترین دانشجویان کشور از حیث تربیت علمی عمومی باشند.

(۲) تربیت علمی تخصصی: تربیت علمی تخصصی، تربیتی است برای پرورش انسان‌های متخصص در رشته‌های مورد نیاز جامعه‌ی اسلامی. نظام اسلامی وظیفه دارد برنامه‌ی تربیت علمی تخصصی را نیز سامان داده و تنظیم نماید.

بخش اعظم نظام‌سازی‌هایی که در عرصه‌ی سیاست، اقتصاد، فرهنگ، ارتباطات و هنر براساس این علوم انجام شده با مبانی انقلاب اسلامی و اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران کمتر سازگار است. دانشگاه امام صادق (علیه السلام) به‌عنوان یک دانشگاه پیش‌تاز برای رفع این کاستی تأسیس یافته و اهتمام خود را صرف اصلاح محتوایی رشته‌های علوم انسانی و تربیت افراد متخصصی کرده که شاخصه‌های قبول مسئولیت در نظام اسلامی را داشته باشند.

درحال حاضر، اهداف کلان این دانشگاه نیز ارتقاء یافته و متناسب با شرایط کنونی به‌شرح زیر تنظیم شده است:

الف: هدف کلان در حوزه‌ی تولید علم

ب: هدف کلان در حوزه‌ی تربیت نیروی انسانی

ج: هدف کلان در حوزه الگوی دانشگاهی

لازم است برنامه‌ریزی تربیت علمی تخصصی با توجه به اصول زیر انجام گیرد:

(۱) قرار گرفتن تربیت تخصصی در چارچوب تربیت همه‌جانبه و تربیت عمومی

(۲) اولویت دادن به نیازهای اصیل و پایه‌ای

(۳) کمک به استقلال علمی، سیاسی و اجتماعی کشور

(۴) هدایت نخبگان و افراد با استعداد به‌سمت رشته‌های با اولویت

(۵) توجه به جنسیت در انتخاب رشته

- ۶) کمک به کسب مرجعیت علمی در جهان
- ۷) توجه به چالش‌های موجود در هر رشته و شاخه‌ی علوم
- ۸) توجه به اقتضائات جهانی، جهان اسلام و جامعه‌ی ایرانی
- ۹) توجه به علم و تبدیل آن به یکی از گفتمان‌های اصلی جامعه و ایجاد فضای مساعد برای شکوفایی علم
- ۱۰) نهادینه کردن نگرش اسلامی به علم و تسریع در فرایند اسلامی شدن به نهادهای آموزش و پژوهشی

- ۱۱) جهت‌دهی آموزش و پژوهش به سمت حل مشکلات و رفع نیازهای واقعی کشور
- ۱۲) تعامل با سایر دانشگاه‌های کشور و کشورهای دیگر، به خصوص کشورهای اسلامی
- ۱۳) افزایش توانایی نقد علوم انسانی جدید
- ۱۴) توانایی تولید علم در عرصه‌ی علوم انسانی با بهره گرفتن از فرهنگ قرآن و معارف اسلامی.

تربیت علمی در متن سایر ابعاد تربیت دینی، از جمله در تربیت عبادی، اجتماعی، خانوادگی و اخلاقی حضور دارد و بدون آموختن، سایر ابعاد تربیت را نمی‌توان پیش برد.

تربیت اخلاقی: همان‌طور که در بخش مبانی نظام تربیتی بیان گردید، بذر فضائل اخلاقی در فطرت انسان قرار داده شده و این بذر نیازمند مراقبت و پرورش است. یک انسان مسلمان برای اینکه تربیت دینی و اخلاقی در وی محقق شود، لازم است برای خود یک برنامه‌ی اخلاقی تنظیم و مهیا کند؛ به گونه‌ای که به تدریج و با برنامه‌ای معین خود را به فضائل اخلاقی خودآرایی و از رذائل اخلاقی دوری کند. این برنامه توقف‌پذیر نیست و فرد می‌بایست به صورت مداوم تلاش کند تا فضائل بیشتری کسب کند. البته باید توجه داشت که هریک از فضائل و رذائل ذومراتب هستند و دارای سطوح سطحی و عمیق هستند، لذا نمی‌توان حدّ یقفی برای فضائل و رذائل اخلاقی تصور کرد و انسان دائماً می‌بایست در راه تربیت اخلاقی ممارست ورزد. در برنامه‌ی اخلاقی، باید گام به گام و به تدریج پیش رفت و به صورت دفعی به کسب همه‌ی فضائل با یکدیگر و دفع همه‌ی رذائل با یکدیگر پرداخت، چراکه برخی از فضائل و رذائل بر برخی دیگر مقدم است و اگر آن فضیلت مبنایی‌تر در وجود انسان نهادینه نشود، فضیلت دیگر را به تباهی می‌کشاند و باعث افساد آن می‌شود.

برنامه‌ی تربیت اخلاقی دانشجویان باید در دو بخش تنظیم شود:

- ۱) تربیت اخلاقی عام: این بخش شامل برنامه‌ریزی برای رشد فضائل ضروری برای هر انسان مسلمانی است و تکامل اخلاقی او را به دنبال دارد.

۲) تربیت اخلاقی خاص تعلیم و تعلّم: این بخش شامل برنامه‌ریزی برای رشد فضائل ویژه‌ی دانشجو و استاد (متعلّم و معلم) است.

اهمّ فضائل اخلاقی دانشجویی عبارت است از: صداقت در داوری علمی و ارزیابی از نظرات و دیدگاه‌ها؛ توجه به سخن مخاطب بدون موضع‌گیری قبلی؛ رعایت ادب در سخن گفتن (رعایت شأن استاد، دانشجو، هم‌درس)؛ پیرو برهان بودن، نه اکثریت؛ تحمل دیدگاه مخالف و نقد منصفانه‌ی آن؛ دوری از حسد نسبت به دانشجوی برتر و موفق‌تر؛ حفظ حرمت و شأن استاد، حتی با مشاهده‌ی اشتباه از استاد؛ تواضع و فروتنی نسبت به علم و در برابر عالم؛ کسب آمادگی روحی و ذهنی قبل از ورود به کلاس درس؛ طرح سؤال به‌موقع؛ نداشتن کم‌رویی در طرح سؤال؛ مداومت بر تحرک و کوشش‌های علمی.

اهمّ فضائل اخلاقی استاد و معلم نیز عبارت است از: صداقت در داوری علمی و ارزیابی از دیدگاه‌ها و نظرات؛ فروتنی و نداشتن غرور و تکبر؛ حسن خلق و معاشرت نیکو با دانشجو؛ نداشتن بخل و اعطای علم بدون دریغ؛ انضباط و نظم در تعلیم و استفاده‌ی مؤثر از زمان؛ دیدن نقاط ضعف خود و همت برای رفع آنها؛ تحمل سوء رفتار برخی دانشجویان و تسلط بر نفس؛ تلاش مستمر برای افزایش دانش خود.

تربیت زیبایی‌گرایی: از جمله اهداف پرورش این بعد، معرفت به خداوند به‌عنوان سرچشمه‌ی زیبایی‌ها؛ درک زیبایی‌های خلقت و مظهر و تجلی خداوند دیدن آنها؛ توانایی در تشخیص زیبایی‌های مادی و معنوی و درک برتری زیبایی‌های معنوی بر مادی؛ تلاش برای خلق زیبایی در آثار هنری و صنعتی و سایر ابزارهای زندگی با رویکرد تقدم زیبایی معنوی بر زیبایی مادی؛ تلاش برای حفظ و گسترش زیبایی‌های خلقت و خلق آثار زیبا در زندگی تمدنی؛ توانایی در نقد زیبایی‌های کاذب و دروغین یا افراط‌گرایی در زیبایی‌های مادی و حیوانی در تمدن جدید.

از جمله اقداماتی که برای تحقق این اهداف پیشنهاد می‌شود، عبارتند از: شناسایی استعداد هنری و علاقه‌مندی دانشجویان در بدو ورود؛ قرار گرفتن فعالیت‌های هنری در داخل برنامه‌ی درسی دانشگاه و ارزیابی از این فعالیت‌ها؛ تأسیس رشته‌ی فلسفه‌ی هنر.

تربیت خلاقیت: هدف از خلاقیت عبارت است از: کسب مراتبی از خلاقیت در زندگی مادی و معنوی توسط مربی؛ استفاده از این توان در ساختن جامعه و تمدن اسلامی.

تربیت عبادی: هدف در تربیت عبادی، رسیدن متربی به مراتبی از عبودیت خدای یگانه، در اندیشه و قلب و در قول و عمل است. در بعد اجتماعی نیز هدف آن است که ساختار جامعه به گونه‌ای شکل گیرد و نهادهای اجتماعی به نحوی سامان یابد که اولاً اوامر و نواهی الهی در جامعه پیاده شود (تسلیم)، ثانیاً جامعه نیز مانند فرد عابد و مانند خلقت، محل بروز و تجلی صفات الهی گردد و محیط اجتماعی نه تنها مانع و رادع بندگی انسان‌ها نباشد، بلکه تسهیل‌کننده و سوق‌دهنده‌ی به سمت بندگی و اطاعت از اوامر و نواهی الهی باشد. لذا اقدامات زیر برای تربیت عبادی در بُعد اجتماعی ضروری است:

- (۱) ساختارسازی مطابق با احکام و ضوابط اسلامی؛
- (۲) تربیت آحاد جامعه برای رسیدن به مرحله‌ی انقیاد و تسلیم نسبت به احکام اجتماعی اسلام و اولویت دادن حقوق جمع بر حقوق فردی خویش؛
- (۳) تأسیس رسانه‌ها و نهادهای تبلیغی مناسب با اهداف اسلامی و اجرای برنامه‌های کارآمد و مؤثر در آنها برای تعالی و ارتقاء فرهنگ عمومی.

تربیت جسمانی: اهداف تربیت جسمانی عبارتند از:

- (۱) رسیدن به بیش و فرهنگ درست برای رفع نیازهای طبیعی و جسمی
 - (۲) برخورداری از نشاط روحی و تفریحات سالم و ورزش
 - (۳) اهتمام به بهداشت و سلامت فردی و اجتماعی
 - (۴) آشنایی با سبک زندگی اسلامی در سلامت جسمانی و تفاوت آن با سبک زندگی غربی
- تربیت جسمانی دارای دو حوزه‌ی فعالیت است: حوزه‌ی تغذیه، بهداشت و درمان و حوزه‌ی ورزش.
- لایه‌ی دوم: تربیت خانوادگی: از جمله اهداف تربیت این بعد، عبارتند از:

- (۱) رسیدن به درک صحیحی از ازدواج و اهداف تشکیل خانواده، قبل از ازدواج:
 - أ. رفع نیاز جنسی فقط با رابطه‌ی با همسر؛
 - ب. ایجاد محیط آرام برای زندگی سالم؛
 - ج. تولید نسل و پرورش فرزندان صالح؛
 - د. ایجاد بستر مناسب برای رشد فضائل اخلاقی هریک از اعضای خانواده.
- (۲) تصمیم به موقع و انتخاب همسر مناسب و منطبق بر معیارهای اسلام؛
- (۳) کسب اخلاق و مهارت‌های لازم زندگی خانوادگی و توانا در ایفای مسئولیت خود؛
- (۴) توانا در عبور از چالش‌های پیش‌روی زندگی خانوادگی و حل مسأله‌های درون خانواده.

تربیت خانوادگی، تربیتی درعرض تربیت در لایه‌ی اول نیست، بلکه تسهیل‌کننده‌ی آنهاست. یعنی خداوند حکیم با تدبیر و تقدیر خود زمینه‌ای را فراهم کرده که در آن زمینه، علاوه بر تکثیر نسل، فرصت رشد کمالات بالقوه‌ی زن و مرد به‌دست می‌آید و هردو می‌توانند زیبایی‌ها و فضائل اخلاقی و معنوی خود را در تعامل با یکدیگر و در ارتباط با فرزندان برای بنای یک زندگی مشترک متعالی به‌فعلیت برسانند.

با توجه به حضور مستمر متربی در مدرسه و سپس در دانشگاه، علاوه بر مسئولیت پدر و مادر، مدرسه، دانشگاه نیز مسئول تربیت این بُعد از تربیت می‌باشد. و از آنجاکه دانشجویان در سنین مناسب ازدواج و انتخاب همسر قرار دارند، برنامه‌ی تربیتی دانشگاه باید به‌گونه‌ای باشد که هم دانشجویان را به‌سمت ازدواج به‌موقع ترغیب نماید و هم آنان را به شرایط لازم برای تشکیل زندگی خانوادگی برساند.

محورهای اصلی تربیت خانوادگی در دانشگاه عبارتند از:

- ۱) حفظ عفاف و پاکدامنی درطول تحصیل
- ۲) آماده ساختن دانشجو برای ازدواج و تشکیل خانواده
- ۳) تشویق به ازدواج در دوره‌ی دانشجویی
- ۴) آموزش احکام و اخلاق مربوط به جنسیت دختر و پسر
- ۵) آشنا کردن با مسئولیت و نقش مرد و زن به‌عنوان زوج و مسئولیت و نقش پدر و مادر
- ۶) کمک به انتخاب شغل و حضور در جامعه و خانواده
- ۷) درک صحیح از موقعیت خانواده در جهان کنونی

لایه‌ی سوم: تربیت اجتماعی: در این بعد از تربیت، هدف بهره‌مندی صحیح از مواهب حیات اجتماعی برای تکامل معنوی و زندگی دنیایی و ایفای مسئولیت‌های خود نسبت به جامعه به‌منظور تشکیل جامعه‌ی توحیدی و برقراری قسط و عدل در جامعه است. ازجمله اهداف دیگری که می‌توان اشاره کرد، عبارتند از:

- ۱) ارتقاء دانش و بینش اجتماعی و توانایی تحلیل مسائل جامعه و موضع‌گیری برمدار حق
- ۲) پرورش روحیه‌ی تعاون، مسئولیت‌پذیری و مشارکت
- ۳) دانش و بصیرت اجتماعی و توانایی قدرت تحلیل مسائل
- ۴) قانون‌پذیری و داشتن روحیه‌ی التزام به قانون
- ۵) تلاش برای اقامه‌ی قسط و عدل در جامعه و داشتن روحیه‌ی حق‌طلبی و عدالت‌خواهی
- ۶) رشد فضائل اخلاقی ضروری برای حضور در جامعه

۷) معتقد به نظارت همگانی و عامل به وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر

۸) تقویت ولایت‌مداری و باور به نظام اسلامی

۹) توانایی اثرگذاری و سازندگی اجتماعی

اهم شاخه‌های تربیت اجتماعی عبارتند از: تربیت سیاسی، تربیت اقتصادی و شغلی، تربیت اخلاق اجتماعی و تربیت حقوقی.

تمام ابعاد تربیت، هرکدام متناسب با موضوع خود، در دایره‌ی اقدامات نظام اسلامی قرار می‌گیرند. اما «تربیت اجتماعی» به‌علت ویژگی موضوعی خود، ارتباطی مضاعف با حکومت اسلامی دارد و حکومت اسلامی باید از دو جهت برای تربیت اجتماعی برنامه‌ریزی کند:

۱- برنامه‌ریزی، تنظیم و اداره‌ی نهادهای اجتماعی با محوریت تربیت و برنامه‌ی تربیتی اسلام؛

۲- برنامه‌ریزی و اقدامات ضروری برای تربیت اجتماعی افراد جامعه.

دانشگاه امام صادق (علیه السلام) دوگونه رسالت در تربیت اجتماعی دارد:

۱- رسالت عام: خود دانشجویان به اهداف تعیین شده برسند.

۲- رسالت خاص: از آنجاکه دانشگاه امام صادق (علیه السلام) یک دانشگاه تخصصی در حوزه‌ی علوم انسانی و الهی است و رشته‌هایی مانند علوم سیاسی، اقتصاد، مدیریت و حقوق دارد که مربوط به حوزه‌های تربیت اجتماعی است، لازم است در زمینه‌ی تربیت اجتماعی نیز نقش الگوی دانشگاه اسلامی مرجع را ایفا کند.

لایه‌ی چهارم: تربیت زیست‌محیطی: از جمله اهداف این بُعد تربیتی عبارتند از:

۱) توجه به شأن آیتی طبیعت

۲) حفظ، پرورش و آبادانی طبیعت و محیط زیست

۳) اجتناب از اسراف و تبذیر در طبیعت

۴) رعایت حقوق و حدود مربوط به طبیعت و محیط زیست

۵) استفاده از زیبایی‌های طبیعت برای تقویت روحیه‌ی معنوی

دانشگاه باید از دو جهت به موضوع محیط زیست و تربیت ویژه‌ی آن بپردازد:

أ. در چارچوب تربیت عمومی؛ که خود دانشجویان اهتمام به رعایت آن داشته باشند.

ب. نسبت به چالش‌های محیط زیست که در عصر جدید پدید آمده، مسئولیت پذیرفته و پژوهش‌های گسترده با رویکرد دینی و اسلامی انجام دهند.

تربیت‌های جانبی: تربیت مهارت‌ها و فنون: مقصود از مهارت‌ها، مجموعه توانایی‌های اکتسابی است که برای زندگی جنبه‌ی ابزاری و وسیله‌ای دارند، مانند مهارت استفاده از رایانه‌ها و نرم‌افزارها، مهارت بهره‌وری و استفاده‌ی درست از وسایل در خانه، مهارت‌های خواندن و نوشتن و گوش دادن، مهارت ارتباط برقرار کردن، مهارت‌های مالی و اقتصادی و... .

فصل پنجم: اصول تربیت

«اصول تربیت» اصولی هستند که بر مجموعه‌ی نظام‌نامه‌ی تربیتی حاکم است و در بخش‌های مختلف نظام‌نامه، این اصول متجلی و مراعات شده است. این اصول عبارتند از:

اعتدال‌گرایی و توازن: اعتدال در اهداف، روش‌ها و سایر اجزاء و عوامل برنامه.

رعایت اولویت: اولویت در نیازهای متربی، اولویت دادن به آموزش علوم الهی، اولویت در تعلیم مبانی فلسفی و انسان‌شناسی اسلامی در هر شاخه‌ی علمی، اولویت دادن به نیازهای عمومی و مشترک و درنهایت اولویت دادن به پیش‌نیازها.

رعایت تناسب: به‌طور مثال، در گزینش یک روش تربیتی، باید تناسب آن با موضوع تربیت، ساحت تربیت، محتوای انتخاب‌شده برای تربیت و ویژگی متربی دیده شود.

عدالت تربیتی: رعایت عدالت میان متربیان، ساختار عادلانه نظام تربیتی و رشد عادلانه‌ی همه‌ی ابعاد متربی.

ایجاد ارتباط و پیوستگی میان ابعاد تربیت: به‌طوری‌که در اهداف، محتوا و روش‌های تربیت هماهنگی و پیوستگی و همپوشی پدید آید و تربیت هر بُعد در خدمت تربیت سایر ابعاد قرار گیرد و معاضد آنها باشد.

توجه به مراحل در تربیت: تربیت، مانند رشد دادن یک درخت، از مراحل می‌گذرد که پیش افتادن یا عقب ماندن از هر مرحله، به‌معنای چیدن زودرس میوه یا دیر از موعد چیدن آن است. لذا توجه به مراحل تربیت حائز اهمیت است.

ایجاد ارتباط منطقی میان تربیت عمومی و تخصصی: تربیت تخصصی باید در بستر و دامن تربیت عمومی صورت بگیرد تا شاکله‌ی یکپارچه‌ی دانشجو آسیب نبیند و وحدت شخصیت وی حفظ شود.

توجه به استعداد های ویژه: با توجه به اینکه افراد به خاطر شدت و ضعف استعدادها و نیز ویژگی های شخصی و سلیقه ای با یکدیگر متفاوتند، باید توجه داشت تا استعداد های افراد سرکوب نشود.

توجه به تفاوت های فردی: نظام تربیتی امکانی فراهم می کند که فرد، در عین حضور در جمع، میدان بالندگی و شکوفایی ویژه ی خود را بیابد و احساس تنگنا و دشواری نکند.

توجه به تفاوت های جنسیتی: بخشی از تربیت زن و مرد مشترک است و آن شکوفایی استعداد های انسانی و سوق وی به سوی تقرب الهی به وسیله ی شناخت، ایمان و عمل صالح است. بخش دیگر آن بسته به نقشی که خداوند برای هریک در خانواده و جامعه مهیا کرده است، اختصاصی می شود؛ مانند نقش زن و شوهری، مادری و پدری. بنابراین در نظام تربیتی دانشگاه باید به این موارد توجه شود: تعیین اهداف مشترک و خاص دانشجویان دختر و پسر؛ محیط تربیتی دانشجویان دختر و پسر؛ ویژگی اساتید دختر و پسر؛ تعیین رشته های مشترک و ویژه ی دختران و پسران؛ تدوین محتوای آموزشی مشترک و خاص؛ فعالیت های ورزشی، هنری، فرهنگی و تبلیغی مشترک و خاص.

رعایت تدریج: برنامه های تربیتی باید گام به گام و مرحله به مرحله باشد.

استمرار و پیوستگی: از آنجاکه رشد انسان یک امر پیوسته و متصل است، فرایند تربیت نیز باید مستمر و پیوسته باشد.

توجه به ثباتات و متغیرات: نظام تربیتی باید در بستر ثباتات، برای متغیرات برنامه ریزی کند.

همگرایی: بخش هایی که برای اجرای این نظام نامه سامان یافته اند، هم باید از یک برنامه ریزی کلان تبعیت کنند و هم از مرکز واحد فرماندهی شوند و میان اجزای آنها همبستگی و اتحاد کامل وجود داشته باشد.

جامع نگری: در نظام جامع نگر اولاً برای همه ی ابعاد و ساحت ها برنامه ارائه کند؛ ثانیاً در این برنامه، رابطه ی ابعاد با یکدیگر را مشخص سازد.

توجه همزمان به رشد فردی و مسأله های اجتماعی: رشد فرد باید به نحوی محقق شود که به افزایش توانایی تربیتی در جهت حل مسائل اجتماعی نیز کمک نماید.

رفق و مدارا با مربی: اصل در برنامه ی تربیتی اختیاری بودن است، لذا لازم است مربی نسبت به مربی با رفق و مدارا برخورد کند.

تطبیق بر شرایط و اقتضائات دنیای امروز و جامعه‌ی جهانی: درک عمیق این چالش‌ها و ارجاع آنها به مبانی و اتخاذ موضع براساس آن مبانی و ارائه‌ی راه‌حل و برنامه به‌طوری‌که نظام تربیتی نه در موقعیت انفعال و نه در موقعیت جمود و ناتوانی قرار گیرد، لازمه‌ی یک برنامه‌ی تربیتی است.

توجه به اقتضائات و چالش‌های جامعه‌ی ایرانی؛

اصل محبت؛

برقراری ارتباط عاطفی با متربی؛

تکریم شخصیت متربی؛

سالم‌سازی محیط پیرامونی؛

نظارت پیوسته.

فصل ششم: روش‌های تربیت

بخش اعظم موفقیت مربیان و نظام‌های تربیتی در گرو شیوه‌هایی است که برای رسیدن به اهداف تربیتی اتخاذ کرده و به‌اجرا درآورده‌اند. درخصوص روش، توجه به چند نکته اساسی ضروری است:

- ۱) روش‌ها رساننده‌ی ما به اهداف تربیت هستند؛
- ۲) برای رسیدن به یک هدف می‌توان از روش‌های گوناگون استفاده کرد؛
- ۳) یک روش نمی‌تواند برای رسیدن به هدف‌های گوناگون به‌کار رود؛
- ۴) برخی روش‌ها ممکن است با یکدیگر تراحم داشته باشند؛
- ۵) روش‌ها با توجه به ویژگی‌های متربی و موقعیت او باید انتخاب شوند؛
- ۶) روش‌ها با همه‌ی مؤلفه‌های تربیت ارتباط دارند.

ازجمله عوامل مؤثر در انتخاب روش، عبارتند از: مبانی، اهداف، اصول و موضوع تربیت.

رویکرد اصلی یک نظام تربیتی در روش، اولویت دادن و میدان دادن به اراده و اختیار و انتخاب‌گری متربی و قدرت تفکر اوست. البته این به‌معنی فروگاهی نقش مربی و تبدیل وی به ابزار تربیت نیست؛ بلکه تبدیل نقش مربی از یک فرد تحمیل‌کننده به فردی هدایتگر و دلسوز و راهنمای توانا و الگو و اسوه‌ی متربی است.

از جمله روش‌های تربیت عبارتند از: برهان و استدلال (روش حکمی)؛ موعظه و پند؛ جدال احسن؛ تذکر؛ انذار و تبشیر؛ ارائه‌ی اسوه؛ تشویق و تنبیه؛ پرسش و پاسخ؛ گفتگو؛ قصه‌پردازی و داستان‌گویی؛ ایجاد فرصت تأمل با خود؛ ایجاد فرصت تجربه‌ی رفتار نیک؛ همیاری و مشارکت؛ خلق موقعیت‌های تفکر؛ خلق موقعیت داوری؛ تحلیل مشاهدات؛ مناظره؛ روش کار انفرادی؛ هم‌نشینی و دوستی با خردمندان، اهل علم و اهل ایمان.

برای پیاده‌سازی این روش‌ها از فنونی می‌توان استفاده کرد؛ فنونی مانند: تمرین حدس، گمان، تخمین و تخیل؛ ایجاد موقعیت تجربه و آزمایش؛ دیگران را جای مربی گذاشتن و مربی را جای دیگران؛ مواجهه‌سازی با نتایج کارها؛ تحسین؛ رقابت و مسابقه‌ی سازنده؛ ایفای نقش توسط مربی؛ واگذار کردن قضاوت به مخاطب؛ تصریح و کنایه‌گویی؛ دستیار قرار دادن مربی؛ مباحثه؛ مشاوره؛ ایجاد سؤال؛ معرفی، دیدار و بزرگداشت بزرگان؛ قرار دادن در موقعیت؛ ایجاد فرصت تکرار.

فصل هفتم: عوامل تربیت

مقصود از عوامل تربیت، آن دسته از عواملی است که در برنامه‌ی تربیتی برای آنها تعیین نقش شده و متناسب با موقعیت خود بخشی از فعالیت‌ها را برای رسیدن به هدف برعهده دارند. این عوامل به دو دسته‌ی انسانی و غیرانسانی تقسیم می‌شوند. عوامل انسانی عبارتند از: مربی و استاد، مربی و دانشجو، مدیران و کارکنان اجرایی، برنامه‌ریزان و خانواده. عوامل غیرانسانی عبارتند از: تشکیلات و نظام اداری، فضا و محیط تربیتی، رسانه‌ها و محتوا.

جلد سوم: نظام برنامه‌ریزی درسه

فصل اول: اسناد بالادستی دانشگاه

در این فصل به اسناد بالادستی دانشگاه، از جمله بیانیه‌ی رسالت، سند چشم‌انداز، اهداف کلان و راهبردهای کلان دانشگاه (ابلاغی از جانب مقام معظم رهبری علیه‌السلام) مورد توجه قرار گرفته است و مبتنی بر آن آرمان‌هایی مورد توجه قرار گرفته است؛ از جمله: توحیدمحوری در مبدأ، مقصد و مسیر؛ استقرار تمدن اسلامی و توسعه‌ی آن در جهان؛ آمادگی برای برپایی حکومت جهانی مهدوی؛ پایداری و استواری و اعتلای نظام اسلامی و حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی؛ گسترش فرهنگ علم‌دوستی و توسعه‌ی علم مبتنی بر مبانی دینی.

فصل دوم: نظام برنامه‌ریزی درسی

براساس انتخاب رویکرد فطرت‌گرا در نظام‌نامه‌ی تربیتی، رویکرد مبنایی و مشترک در برنامه‌ریزی درسی رویکرد «حقیقت‌محور» است. در چارچوب این رویکرد اصلی و با محوریت آن، رویکردهای دیگری نیز موضوعیت می‌یابند که باید در تدوین برنامه‌های هر رشته‌ی تحصیلی و نیز هر ماده‌ی درسی به آنها توجه شود و با ملاحظه آنها برنامه‌ریزی صورت بگیرد. این رویکردها عبارتند از:

- ۱) رویکرد موضوع‌محور؛
- ۲) رویکرد محتوا‌محور؛
- ۳) رویکرد مسأله‌محور؛
- ۴) رویکرد متعلم‌محور؛
- ۵) همه‌جانبه‌گرایی؛
- ۶) رویکرد تلفیقی؛
- ۷) نیازگرایی در آموزش.

فصل سوم: هم‌افزایی و تلفیق در برنامه‌ریزی (با محوریت تربیت علمی و برنامه‌های درسی)

کلیه‌ی برنامه‌های تربیتی دانشگاه باید بر محور تربیت علمی به یکپارچگی، هم‌افزایی و تلفیق برسند؛ به‌طوری‌که این برنامه‌ها همگی معاضد و مکمل یکدیگر باشند و راه تربیت علمی را هموار سازند و به موفقیت آن کمک نمایند. در برنامه‌ریزی یکپارچه، وحدت سازمان‌یافته و ارگانیک ایجاد می‌شود؛ از تکرار در برنامه‌ها اجتناب می‌شود؛ پیچیدگی برنامه‌ها کاهش می‌یابد؛ و از اتلاف امکانات و دوباره‌کاری‌ها می‌کاهد.

تلفیق میان برنامه‌ها باید در قلمروهای زیر صورت بگیرد:

- ۱) تلفیق در ابعاد تربیت؛
- ۲) تلفیق در روش‌های تربیتی؛
- ۳) تلفیق میان مهارت‌های تفکر و محتوای علمی؛
- ۴) تلفیق میان اهداف شناختی، گرایشی و رفتاری؛
- ۵) تلفیق میان آموزش و پژوهش؛
- ۶) تلفیق میان دروس و محتواهای آموزشی: ساختار هر علمی، از آن‌جهت که ساختار آن علم است، کمتر ما را به بیرون از خود و همسایگان خود فرا می‌خواند و به وجود و تأثیر این همسایگان توجه می‌دهد؛ درحالی‌که هر دانشی از سه جهت باید متوجه بیرون از خود باشد:

اول، از این جهت که این دانش در تعامل با دانش‌های دیگر در حال رشد و نمو و شکل‌گیری است. دوم، از این جهت که یادگیرنده شخصیتی ذو ابعاد دارد و در همان حالی که دانشی را می‌آموزد به سراغ دانش دیگر می‌رود که رابطه‌ای طولی یا افقی، دور یا نزدیک، با واسطه یا بی‌واسطه با دانش اول دارد. سوم، از این جهت که این دانش در بستری از نیازهای اجتماعی موضوعیت پیدا کرده و سهمی از این نیازها را برآورده می‌سازد.

با توجه به این مقدمات، مقصود از هم‌افزایی، ارائه‌ی محتواهای آموزشی به‌گونه‌ای است که مکمل و مؤید و تقویت‌کننده یکدیگر باشند؛ و مقصود از تلفیق، ارائه‌ی محتوای دو یا چند درس در یک درس تلفیقی است، به‌طوری‌که مخاطب در همان یک درس به اهداف موردنظر نائل گردد. از آنجاکه هم‌افزایی از تلفیق آسان‌تر و امکان‌پذیرتر است و همه‌ی ابعاد را دربر می‌گیرد، ضروری است که حرکتی از مسیر هم‌افزایی به سمت تلفیق صورت گیرد.

هم‌افزایی و تلفیق میان دروس در محدوده‌های زیر صورت می‌گیرد:

- هم‌افزایی و تلفیق میان دروس معارف اسلامی و دروس تخصصی؛
- هم‌افزایی و تلفیق میان برخی دروس تخصصی؛
- هم‌افزایی و تلفیق میان برخی دروس معارف اسلامی؛
- هم‌افزایی و تلفیق میان دروس عمومی و تخصصی و معارف اسلامی.

برخی از روش‌های هم‌افزایی و تلفیق دروس عبارتند از: روش موازی‌سازی در دروس؛ روش سازماندهی عنوان مشترک میان چند رشته؛ روش سازماندهی میان‌رشته‌ای؛ روش سازماندهی فرارشته‌ای.

فصل چهارم: رشته‌های تحصیلی

با توجه به اهداف کلان این دانشگاه و قرار گرفتن عنوان «معارف اسلامی» در ابتدای هر رشته، ضروری است این ترتیب در هدف‌نویسی رشته‌های تحصیلی رعایت شود:

الف: اهداف آموزش معارف اسلامی: اهداف معارف اسلامی (موردنیاز یک دانشجوی)؛ اهداف معارف اسلامی (موردنیاز یک دانشجوی علوم انسانی)؛ اهداف معارف اسلامی ناظر به هر رشته (موردنیاز دانشجوی رشته‌ی خاص).

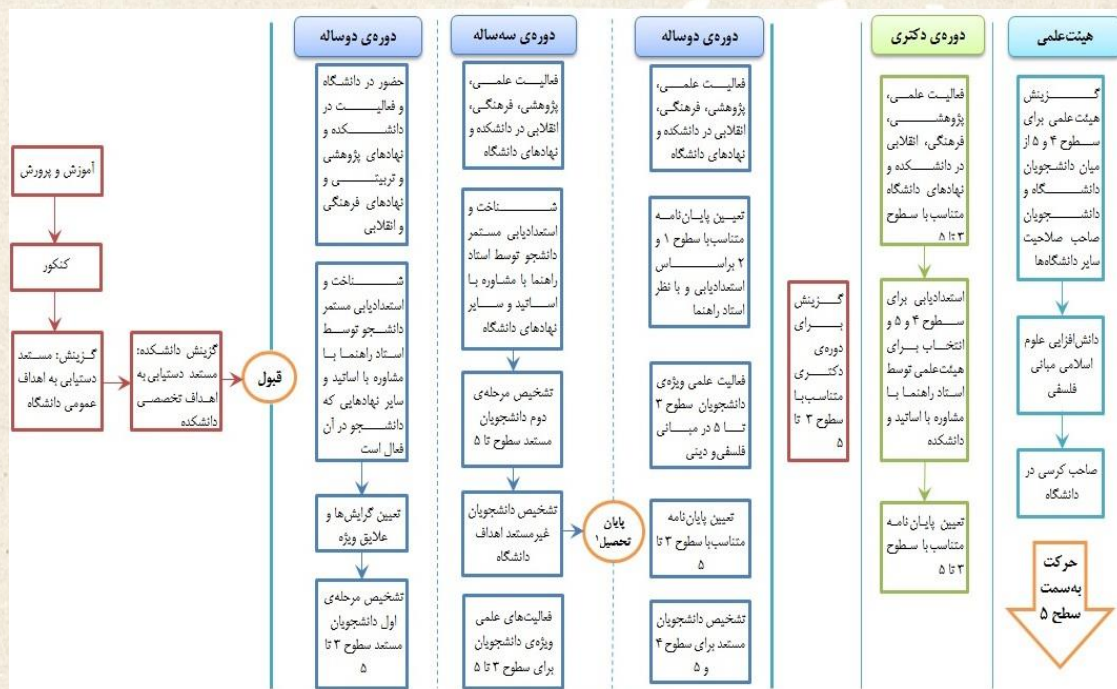
ب: اهداف آموزش رشته‌های خاص علوم انسانی، شامل: اهداف مشترک رشته‌ها (ناظر به ابعاد مشترک علوم انسانی و جایگاه آن در جامعه و تمدن اسلامی)؛ اهداف هریک از رشته‌ها (ناظر به ابعاد خاص هر رشته و جایگاه آن در جامعه و تمدن اسلامی).

براساس اسناد بالادستی دانشگاه، دانش‌آموختگان این دانشگاه باید به یکی از توانمندی‌ها در سطوح زیر برسند:

سطح پنجم	اندیشمندانی که در جهت‌دهی به معارف بشری بر پایه‌ی تعالیم اسلام نقش‌آفرینی کنند و در جهان اسلام و ملل دیگر به‌عنوان مرجع علمی شناخته شوند.
سطح چهارم	متفکران اسلام‌شناسی که بر دانش متعارف رشته‌ی تخصصی خود مسلط باشند و با بهره‌گیری از معارف اسلامی به تولید مبانی در دانش تخصص خود بپردازند و در تولید علم بر پایه‌ی تعالیم اسلام مشارکت کنند.
سطح سوم	اساتید و متخصصانی که با اندوختگی درخور از رشته‌ی تحصیلی خود و علوم اسلامی، بتوانند گفتگوی این‌دو حوزه‌ی معرفتی را تسهیل کنند و نظریه‌ها و مبانی رایج در حوزه‌ی تخصصی خود را نقد و بررسی نمایند.
سطح دوم	مسئولان تحول‌آفرین و توانمند که معتقد به اسلام و متعهد به انقلاب اسلامی و عامل به اوامر و نواهی شرع مقدس و توانمند در پیاده کردن ارزش‌های اسلام و انقلاب اسلامی
سطح اول	کارشناسان و مجریان معتقد به اسلام و متعهد به انقلاب اسلامی و عامل به اوامر و نواهی شرع مقدس و الگو برای سایر مجریان

برنامه‌ریزی درسی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
معرفی‌نامه‌ی طرح تدوین نظام جامع تربیتی و

نمودار زیر، فرایند تعیین دانشجویان در سطوح اهداف تحصیلی و طی مراحل آموزشی در دوره‌ی کارشناسی ارشد پیوسته تا عضویت در هیأت‌علمی را مشخص می‌کند:



برای اینکه یک رشته تحصیلی در دانشگاه تأسیس شود، علاوه بر وجود امکانات مالی و اقتصادی، باید معدل قابل قبولی از شاخص های زیر را داشته باشد:

۱- در راستای بیانیه ی رسالت، سند چشم انداز، اهداف کلان و راهبردهای کلان دانشگاه باشد و به تحقق آنها کمک نماید.

۲- جزء رشته های اصلی و پایه ای در علوم انسانی و معارف اسلامی محسوب شود؛ به نحوی که در سایر حوزه های علوم انسانی تأثیرگذار باشد.

۳- از جهت تحول در علوم انسانی در کشور، از اولویت برخوردار باشد.

۴- از نظر علمی، فرهنگی، اقتصادی، تربیتی و یا مدیریتی و اجرایی از ضرورت های نظام محسوب شود و تربیت متخصص در آن رشته به یکی از نیازهای اصلی جامعه در این حوزه ها پاسخ دهد.

۵- جزء آن دسته از حوزه های علم باشد که دانش وارداتی آن چالش بیشتری با مبانی و فرهنگ اسلامی دارد.

فرآیند تصویب رشته های جدید پس از نیازسنجی، امکان سنجی و تعیین مراحل فراهم کردن امکانات و شرایط تأسیس رشته، به شورای دانشگاه برای تصمیم گیری ارسال می شود. برخی از رشته هایی که به نظر این نظام نامه دارای اولویت تأسیس اند، عبارتند از:

۱) در حوزه ی تعلیم و تربیت اسلامی: فلسفه ی تعلیم و تربیت، تربیت خانوادگی و خانواده، برنامه ریزی درسی.

- ۲) در حوزه‌ی فلسفه: فلسفه‌ی علم، فلسفه‌ی هنر، فلسفه‌ی دین.
- ۳) در حوزه‌ی الهیات و معارف اسلامی: شناخت ادیان.
- ۴) در حوزه‌ی آموزش و پرورش: آموزش معارف اسلامی.
- ۵) در حوزه‌ی مطالعات اجتماعی: فلسفه‌ی علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی، فرهنگ و تمدن اسلامی.

در تعیین دروس هر رشته‌ی تحصیلی باید این اصول مورد توجه قرار گیرد: ارتباط درس با حل چند مسأله‌ی اساسی رشته‌ی تحصیلی؛ افزایش دروس انتخابی به‌منظور توجه به گرایش‌ها و علایق دانشجویان؛ شفاف کردن ارتباط بین دروس مختلف در یک رشته برای دانشجویان؛ حرکت به‌سمت افزایش دروس تلفیقی؛ حرکت به‌سمت بومی‌سازی دروس تخصصی؛ تناسب میان تعداد واحدها و رویکرد حقیقت‌طلبی (که نیازمند پرورش دانشجویان متفکر و اهل نظر می‌باشد).

به‌منظور رعایت اهداف مشترک رشته‌ها و اصول حاکم بر تعیین دروس، لازم است تنظیم درس‌ها به‌صورت زیر انجام پذیرد:

- ۱- واحدهای زبان عربی، زبان انگلیسی، منطق، زبان و ادبیات فارسی در پنج ترم اول توزیع شوند.
- ۲- واحدهای اصول فقه و فقه عمومی در پنج ترم اول توزیع شوند.
- ۳- واحدهای عمومی که جنبه‌ی تربیتی دارند در شش ترم اول توزیع شوند.
- ۴- واحدهایی که جنبه‌ی کاربردی دارند و نتایج دروس تخصصی و عمومی در آنها مؤثر است، مانند درس علوم انسانی - اسلامی، در ترم‌های ۱۱ و ۱۲ ارائه شوند.

با توجه به استعدادیابی دانشجو و تشخیص استعداد ویژه در دانشجویان و نیاز جامعه به اینگونه تخصص‌های جزئی، عناوین درس‌های هر رشته باید قابلیت عرضه به اینگونه دانشجویان را داشته باشد.

درخصوص دروس معارف اسلامی، به‌منظور فهم صحیح این معارف، لازم است اصول و ضوابط زیر رعایت شود: آموزش جامع معارف اسلامی؛ توجه بیشتر به اهداف گرایشی؛ توجیه دانشجویان و اساتید نسبت به ضرورت درس‌های معارف اسلامی؛ اولویت تدریس دروس معارف اسلامی توسط اساتید رشته تخصصی؛ هماهنگ‌سازی جدول دروس معارف اسلامی و رشته‌ی تحصیلی؛ جهت‌دار کردن دروس، متناسب با مقتضیات زمان.

به‌همین جهت برای تنظیم دروس عمومی و معارف اسلامی، لازم است به اصول و ضوابط زیر پایبند بود:

- ۱- توجه به هم‌افزایی دروس و تلفیق میان دروس عمومی و معارف اسلامی با دروس تخصصی.

- ۲- تعیین دروسی که دانشجویان را به سطحی از دین‌شناسی برساند که توانایی پیوند میان رشته‌ی تخصصی و معارف دینی را به دانشجو بدهد.
- ۳- دروس عمومی و معارفی باید این حوزه‌ها را شامل شود: مبانی و اصول عقاید اسلامی، قرآن و تفسیر آن، سیره و تاریخ اسلام، زبان و ادبیات عربی، فقه و اصول فقه، دانش ضروری برای تربیت اخلاقی و عبادی، تربیت اجتماعی (تربیت سیاسی و تمدنی، حقوقی و مالی، ...)، تربیت خانوادگی، تربیت جسمانی، فرهنگ و تمدن معاصر و مهارت‌های تحصیلی.
- ۴- تنظیم درس‌های عمومی و معارفی به تعداد ۱۰۰ واحد (+۵)؛
- ۵- تنظیم درس‌های تخصصی در هر رشته به تعداد ۱۰۰ واحد (+۵)؛
- ۶- اختصاص حداقل ۱۵ واحد به دروس انتخابی؛
- ۷- جهت‌گیری دروسی مانند مبانی و اصول عقاید و فقه به سمت رشته‌ی تخصصی با هدف مصداقیابی در آن رشته و برقراری ارتباط میان مبانی و محتوای رشته.

به منظور وحدت رویه در ساختار برنامه‌ی درسی رشته‌های تحصیلی، پیشنهاد می‌شود عناوین ذیل رعایت شود: ضرورت و فلسفه‌ی وجودی رشته؛ اهداف؛ جدول درس‌های رشته؛ چگونگی و میزان هم‌افزایی و تلفیق در دروس یک رشته‌ی تحصیلی؛ شاخص‌های تخصصی اساتید رشته؛ شاخص‌های تخصصی دانشجویان رشته.

در نهایت از آن جهت که پایان‌نامه ثمره‌ی عملی یک برنامه‌ی درسی می‌باشد، لازم دارای شاخص‌هایی باشد؛ که ازجمله‌ی آنها عبارتند از: بررسی در موضوع‌های میان‌رشته‌ای علوم اسلامی و علوم انسانی و اجتماعی؛ نقد و ارزیابی مبانی، جهت‌گیری‌ها و یافته‌های علوم انسانی و اجتماعی براساس اصول و معارف اسلامی؛ کمک به فرهنگ تحول و ارتقاء علوم انسانی؛ کمک به کشف مسأله‌ها و پاسخ‌گویی اجتهادی به آنها.

علاوه‌براین در دوره‌ی دکتری، شاخص‌های زیر اهمیت دارد: گسترش مرزهای علوم انسانی و تولید علم براساس مبانی و معارف اسلامی؛ طراحی چارچوب‌های نظری، الگوها و روش‌های تولید علوم انسانی با رویکرد اسلامی و منطبق با مبانی فلسفی اسلامی؛ ارائه‌ی نمونه‌هایی از کتاب درسی با رویکرد تلفیق.

فصل پنجم: ساختار مشترک برنامه‌ی درسی هر ماده‌ی درسی

عناصر زیر می‌بایست در برنامه‌ی هر ماده‌ی درسی لحاظ گردد: ضرورت و فلسفه وجودی درس (جایگاه ماده‌ی درسی در رشته)؛ اهداف ماده‌ی درسی؛ اصول و ضوابط مشترک انتخاب و سازماندهی محتوا؛ جدول

محتوا و سرفصل‌های درس؛ تعیین فعالیت‌های یاددهی - یادگیری اختصاصی درس (روش‌های تدریس مناسب با درس)؛ تعیین صلاحیت‌های تخصصی استاد؛ تعیین شیوه‌ی ارزشیابی.

برای اینکه عناصر اصلی برنامه‌های درسی، به‌خصوص تولید محتوا و تولید علم، در چارچوب مبانی و معارف اسلامی صورت بگیرد و برنامه‌های درسی در هریک از رشته‌ها و شاخه‌های علم مبتنی بر نظام‌نامه‌ی تربیتی مصوب باشد، راهکارهایی پیشنهاد شده است.

پژوهش بخشی از تربیت علمی محسوب می‌شود که باید در فرایند هر برنامه‌ی درسی لحاظ شود. فرآیند پژوهش باید مطابق با اصول زیر باشد:

- ۱) علم‌آموزی همراه با پژوهش
- ۲) توجه به سطوح مختلف پژوهش؛ شامل:
 - اقدامات پژوهشی حین تدریس
 - پژوهش‌های مستقل از فرایند تدریس و در راستای رشته‌ی تخصصی
 - پژوهش‌های پیشنهادی از سوی سایر نهادها
- ۳) درگیر کردن گروه آموزشی و دانشکده با امر پژوهش
- ۴) رصد نیازهای پژوهشی توسط دانشکده و گروه‌های آموزشی و انتقال آن به استاد و دانشجو
- ۵) تشکیل بانک اطلاعاتی از پژوهش‌های اساتید و دانشجویان و پایان‌نامه‌ها
- ۶) طرح مقالات پژوهشی در کلاس و بحث و مذاکره درباره‌ی آن
- ۷) طرح مقالات پژوهشی در کلاس و بحث و مذاکره درباره‌ی آن
- ۸) طراحی دوره‌ها و کارگاه‌های افزایش مهارت پژوهش
- ۹) ایجاد وحدت رویه و هماهنگی کلان در مجموعه پژوهش‌های دانشگاه در یک نهاد معین
- ۱۰) ارزیابی مستمر از روند پژوهش توسط یک نهاد ناظر و مستقل
- ۱۱) تجهیز کتابخانه دانشگاه براساس نیازهای پژوهشی و آموزشی هر دانشکده
- ۱۲) تشویق دانشجویان برای شرکت و ارائه مقاله در گردهمایی‌های داخلی و خارجی و اختصاص بودجه‌ای برای دانشجویان حائز رتبه
- ۱۳) اطلاع‌رسانی دائمی درمورد برگزاری سمینارهای پژوهشی و پژوهش‌های درخواست‌شده از سوی نهادهای مختلف

فصل ششم: تولید محتوای آموزشی

برای تولید محتوای آموزشی لازم است اصول و ضوابط زیر رعایت شود:

- ۱) به کار گرفتن راهکارهای تدوین برنامه‌ی درسی در چارچوب نظام‌نامه‌ی تربیتی
- ۲) کوتاه‌تر بودن درس‌های آغازین
- ۳) توجه به بعد قلبی پیام
- ۴) مشخص بودن هدف هر فصل و هر درس
- ۵) توجه به محدوده‌ی زمانی و حجم ساعات تدریس
- ۶) ایجاد جذابیت در محتوا
- ۷) توجه به مراحل رشد مخاطب
- ۸) عرضه‌ی درس‌ها به صورت تدریجی، مستمر و حتی‌الإمكان متناسب با موقعیت‌ها

روش‌های مختلفی در تولید مواد آموزشی وجود دارد که باید متناسب با درس‌ها، یک یا چند روش انتخاب شود. این روش‌ها عبارتند از: تولید براساس ساختار علم؛ از ساده به مشکل؛ تنظیم متن با رویکرد مسأله‌محوری.

فصل هفتم: روش‌ها و فنون تربیت علمی (فعالیت‌های یاددهی - یادگیری)

در این قسمت، روش‌هایی را که معمولاً اختصاص به تدریس و تربیت علمی دارد، ذکر می‌شود. از جمله اقدامات استاد در این راستا عبارت است از:

تنظیم طرح درس: شامل مراحل: تحلیل و تنظیم هدف‌های تعلیمی؛ تحلیل و تعیین موقعیت علمی؛ تحلیل و تعیین محتوا، روش تدریس و وسایل موردنیاز در آموزش؛ تحلیل و تعیین نحوه‌ی ارزشیابی.

استفاده از روش‌های مناسب: به گونه‌ای که:

- ۱) ایجاد علاقه و انگیزه در دانشجو
- ۲) تقویت قوه‌ی تجزیه و تحلیل، تفکر و خلاقیت
- ۳) بهره‌گیری از ابزارهای پیام‌رسانی در تدریس
- ۴) دخالت دادن دانشجو در تدریس
- ۵) توجه به تقویت مهارت‌های ذهنی یادگیرنده
- ۶) برقراری ارتباط میان مباحث نظری و عملی

۷) فراهم کردن فرصت برای تعامل دانشجویان با یکدیگر

۸) تنظیم فعالیت‌های یادگیری برای خارج از کلاس و ایام تعطیل

اهمّ این روش‌ها عبارتند از: روش نمایش علمی؛ روش آزمایشی؛ روش بحث گروهی؛ روش حل مسأله؛ الگوی پیش‌سازمان‌دهنده؛ روش آموزش مستقیم؛ روش آموزش غیرمستقیم؛ روش سخنرانی؛ روش پرسش و پاسخ؛ روش کنفرانس دانشجویی؛ روش مناظره؛ روش خلق موقعیت برای داوری.

فصل هشتم: ارزشیابی در تربیت علمی

یکی از ارکان مهم نظام برنامه‌ریزی درسی و فرایند تربیت علمی، ارزشیابی است که به دو منظور انجام می‌گیرد:

۱) تعیین میزان تحقق اهداف؛

۲) کمک به فرایند تربیت علمی و تحکیم و تثبیت آموخته‌ها.

از آنجاکه تربیت علمی در دانشگاه، در بستر تربیت همه‌جانبه صورت می‌گیرد و فعالیت‌های تربیتی دانشگاه درعین تمرکز بر تربیت علمی، معطوف به همه‌ی ابعاد تربیت است، از این‌رو ارزشیابی باید در دو قلمرو انجام شود:

۱) ارزشیابی از میزان تحقق ابعاد تربیت

۲) ارزشیابی از میزان تحقق تربیت علمی

به‌منظور شکل‌گیری ارزشیابی مؤثر، لازم است اصول زیر توسط ارزشیابی‌کنندگان مراعات شود:

۱) توجه به همه‌ی اهداف برنامه‌ی درسی

۲) آشنایی و تسلط ارزیابی‌کنندگان بر برنامه‌ی درسی موردنظر

۳) انجام ارزشیابی توسط نهاد نظارت‌کننده

۴) تعیین مشکلات در فرایند اجرای برنامه و تدریس

۵) تعیین موفقیت و عوامل مؤثر در موفقیت

۶) تعیین شاخص‌های قابل ارزیابی

همراه با ارزشیابی از دانشجو باید عناصر دخیل در تربیت مورد ارزشیابی قرار گیرد و حتی ارزشیابی از دانشجو باید به‌نحوی تنظیم شود که علاوه‌بر نشان دادن وضع هر دانشجو به خودش، میزان کارکرد عوامل برنامه را روشن کند. عمده عوامل خارجی مؤثر در آموزش عبارتند از:

- ۱) برنامه‌ی درسی: در مرحله پس از تدوین و مرحله اجرا.
- ۲) محتوای تعلیمی؛ به گونه‌ای که هم منطبق بر برنامه تألیفی باشد و هم بتواند در مرحله‌ی اجرا مؤثر و کارآمد باشد.
- ۳) استاد: ارزشیابی از توانایی علمی؛ مهارت‌های حرفه‌ای و شیوه‌ی تدریس؛ و صلاحیت‌های اخلاقی و شخصیتی.
- ۴) فضا و امکانات آموزشی: متناسب با تحولات فرهنگی و علمی.

به‌منظور ارزشیابی از پیشرفت تحصیلی دانشجو، لازم است در دو حوزه‌ی اصلی ارزشیابی صورت گیرد:

- ۱) ارزشیابی از فعالیت‌های رشددهنده‌ی تفکر عقلی و شناخت: برخی شاخص‌های این ارزشیابی عبارتند از: درک رابطه‌ی عنوان با مطلب؛ رابطه‌ی اجزاء مطلب باهم و با کل مطلب؛ جمع‌آوری اطلاعات درباره‌ی یک مطلب؛ برقراری رابطه میان اطلاعات؛ تعریف روشن یک مفهوم؛ توانایی استدلال درباره‌ی یک مجهول؛ مقایسه‌ی دو مفهوم یا دو عمل و ذکر تفاوت‌ها؛ پاسخ‌گویی به سؤال جدید؛ تطبیق خود و محیط زندگی با آموزه‌های دینی و ارزیابی خود و محیط؛ ذکر تجربه‌ها؛ تفسیر یک عمل یا متن و...
- ۲) ارزشیابی از فعالیت‌های تقویت‌کننده‌ی ایمان و گرایش قلبی: نوشتن یا بیان علایق درونی در قالب‌های مختلف؛ مشارکت در گفتگوها، مباحثه‌ها و مناظره‌ها؛ سبقت و پیش‌دستی در پذیرش مسئولیت‌ها؛ موضع‌گیری نسبت به وقایع و رخدادها و...

ارزشیابی از حیث تربیت علمی، انواعی دارد که برخی از آنها عبارتند از:

- ۱) ارزشیابی مستمر: جزئی از فرآیند آموزش است که دانشجویان را در فرآیند یادگیری، سهیم کرده و توان خودارزیابی را در آنان تقویت می‌کند. همچنین استاد را قادر می‌سازد تا به‌طور مستمر دانشجویان را در فعالیت‌های گوناگون زیرنظر بگیرد و عواملی را که مانع پیشرفت آنان است شناسایی کند.
 - ۲) ارزشیابی پایانی: در پایان هر دوره‌ی آموزشی انجام می‌شود و استاد با استفاده از آن، آموخته‌های دانشجویان را ارزیابی می‌کند. این ارزشیابی کمتر از ارزشیابی مستمر در فرآیند یادگیری مؤثر است.
- در این میان خودارزیابی دانشجو و استاد نیز مهم است. درواقع، محاسبه تعالی‌بخش و رشددهنده است و عوامل موفقیت و پیشرفت را تعیین و موانع راه را آشکار می‌کند.

فصل نهم: جایگاه استاد در برنامه‌ی درسی

اهمّ شاخص‌های استاد ورودی به دانشگاه به‌شرح زیر است:

- (۱) آشنایی با معارف اسلامی، به‌خصوص مبانی اندیشه‌ی اسلامی
- (۲) برخورددار از معیارهای انقلابی‌گری
- (۳) هوشمندی، خلاقیت و قدرت ابتکار
- (۴) دارا بودن حد نصاب صلاحیت‌های اخلاقی و شخصیتی، صلاحیت‌های علمی و صلاحیت‌های مهارتی
- (۵) تسلط بر زبان‌های عربی و انگلیسی
- (۶) احراز موفقیت در تدریس در یک نیم‌سال آزمایشی

علاوه‌بر شاخص‌هایی که برای جذب استاد در دانشگاه تعیین شده است، هر استاد باید در سه زمینه به حدنصاب صلاحیت رسیده باشد و ویژگی‌هایی را کسب کرده باشد. این سه صلاحیت عبارتند از:

- ۱- صلاحیت اخلاقی و شخصیتی: دارای شاخص‌هایی مانند: رفق و مدارا؛ داشتن روحیه‌ی تغافل و اغماض؛ داشتن عفت نگاه و کلام؛ پرهیز از پراگویی؛ تکریم دانشجویان؛ آراستگی ظاهر؛ بیان نرم و زیبا؛ داشتن سعه‌ی صدر و تحمل درمقابل دانشجویان؛ دغدغه‌مند بودن و احساس مسئولیت نسبت به کار خود؛ اخلاص در تعلیم و تدریس؛ تقید مستمر به ارزش‌های دینی و انقلابی؛ محل رجوع و مشاوره‌ی دانشجویان؛ توانایی هدایت دانشجویان در ابعاد مختلف؛ مسئولیت‌پذیری در اصلاح و هدایت دانشجویان و همکاران و سایر اعضای دانشگاه؛ مشاوره و همکاری با تشکل‌های قانونمند دانشجویی، نهادهای فرهنگی و حوزه‌های علمیه؛ مشارکت در امور فرهنگی و تربیتی دانشگاه.
- ۲- صلاحیت‌های علمی: دارای شاخص‌هایی مانند: گواهینامه‌ی شرکت در کارگاه‌های دانش‌افزایی و کسب مهارت؛ تألیف مقالات پژوهشی؛ توانایی تدریس در دروس مختلف حوزه‌ی تخصصی؛ توانایی تألیف کتاب آموزشی با رویکرد اسلامی در حوزه‌ی تخصصی خود؛ داشتن رویکرد اجتهادی به محتوای درسی؛ توانا در اجرای طرح‌های پژوهشی؛ توانا در ترجمه‌ی کتاب‌های تخصصی؛ هدایت مؤثر در پایان‌نامه‌ها؛ تسلط بر موضوعات جانبی مرتبط با درس.
- ۳- صلاحیت‌های مهارتی: دارای شاخص‌هایی مانند: طرح درس داشتن برای هر جلسه‌ی تدریس؛ توانایی استفاده‌ی مطلوب از زمان؛ پویا در تدریس و حفظ انگیزه برای نوآوری؛ توانا در شاگردپروری و شکوفا کردن استعداد شاگردان؛ توانا در تربیت پژوهشگر؛ توانایی استفاده از شیوه‌های تنوع در تدریس؛ توانایی در همکاری جمعی با اساتید؛ توانا در اجرای جامع سرفصل‌ها؛ توانا در تقویت مهارت‌های فکری دانشجویان؛ توسعه‌ی فضای تدریس کلاس به فضاهای دیگر؛ توانایی تعامل و

ارتباط با دانشجویان؛ توانایی مرتبط ساختن محتوای آموزشی با مسائل واقعی جامعه؛ ایجاد انگیزه و پویایی و نشاط علمی در دانشجو؛ اهل ورزش و فعالیت‌های جسمانی بودن.

ارتقاء پیوسته‌ی اساتید و افزایش توانمندی‌های آنان از شاخص‌های اصلی یک نهاد آموزشی پویاست، به‌خصوص نهادی که رسالت تولید علم و حرکت در مرزهای دانش و حضور در صحنه‌ی رقابت جهانی را دارد و باید در تأسیس تمدن نوین اسلامی و بسترسازی حکومت جهانی امام عصر علیه السلام ایفای نقش نماید. لذا برنامه‌ریزی برای ارتقاء و تمهیدات لازم برای رشد و بالندگی اساتید بر دوش مدیریت عالی دانشگاه است که امکانات و شرایطی متناسب با اهداف را برای ایشان فراهم نمایند و پس از آن از اساتید انتظارات تعیین‌شده را طلب کند.

رویکرد تربیتی دانشگاه و فرآیند تربیت اقتضاء می‌کند در هر گروه آموزشی و رشته تحصیلی یا در هر دانشکده (متناسب با جمعیت دانشجویی گروه یا دانشکده)، استاد راهنما مسئولیت هدایت دانشجویان را در طول دوره‌ی تحصیلی برعهده بگیرد و دانشجویان را به سمت اهداف تربیت علمی و سایر ابعاد تربیت راهنمایی کند. استاد راهنما دارای ویژگی‌های زیر است:

- آشنایی با با ویژگی‌های روحی دانشجویان درعین تخصص در رشته‌ی تحصیلی؛
- ارتباط مستمر با دانشجویان و تلاش برای رفع مشکلات آنها؛
- ایجاد حس پدري دلسوز و ناصح در دانشجویان؛
- ارائه‌ی برنامه برای دانشجویان، درعین محل رجوع بودن؛
- کمک به دانشجو برای کشف استعدادها و حوزه‌های مورد علاقه‌اش؛
- تعیین و تشخیص تعداد واحدها و دروس خاصی که مبتنی بر علایق دانشجو باید گذرانده شود.

فصل دهم: جایگاه دانشجو در دانشگاه

دانشجوی ورودی باید واجد صلاحیت‌های ممتازی باشد تا رسالت و اهداف دانشگاه و جایگاه ویژه‌ای که برای وی مورد توجه بوده است، محقق گردد. این صلاحیت‌ها عبارتند از:

- (۱) صلاحیت‌های اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی: شامل شاخص‌هایی چون: معتقد و مؤمن به اصول اعتقادی اسلام و مبانی و ارکان؛ معتقد به ولایت الهی، معصومین علیهم السلام و فقیه جامع‌الشرایط؛ متخلق به اخلاق الهی و ملتزم به احکام دین؛ متعهد به نظام جمهوری اسلامی و اهل مجاهده و پایداری و استقامت برای اعتلای نظام؛ دارای احساس مسئولیت جهانی برای اعتلای اسلام و کلمه‌ی حق در

جهان و مقابله با شرک و کفر جهانی؛ معتقد به انتظار سازنده و حرکت‌آفرین برای استقرار حکومت عدل جهانی؛ تلاشگر برای ساختن زندگی با سبک اسلامی؛ برخوردار از آراستگی ظاهری متناسب با فرهنگ دینی و شعائر اسلام؛ دارای سابقه‌ی فعالیت انقلابی و دینی در مدرسه.

۲) صلاحیت‌های تحصیلی و آموزشی: شامل شاخص‌هایی چون: کسب نمره‌ی حداقل ۱۷ در امتحان کتبی سال سوم دوره‌ی متوسطه و کسب حداقل ۶۰٪ نمره‌ی آزمون ورودی دانشگاه‌ها؛ داشتن کارنامه‌ی تحصیلی مناسب در سه سال آخر تحصیلی، به‌خصوص در درس‌های دینی و قرآن، فلسفه و منطق، ریاضیات و فیزیک (با توجه به رشته‌ی تحصیلی دوره‌ی متوسطه)؛ داشتن قدرت تحلیل و استدلال در توضیح و تبیین مسأله‌ها و پاسخ‌گویی به سؤال‌ها؛ دارای نگاه منتقدانه به وضع موجود و تلاش برای اصلاح و تغییر این تمدن جدید غرب و سبک زندگی.

به‌منظور جذب دانشجویان دکتری، علاوه‌بر شاخص‌های ارائه‌شده، لازم است شاخص‌های دیگری نیز داشته باشد: آشنا به مبانی تفکر اسلامی و تفاوت آن با مبانی تفکر مدرن و سکولار؛ توانا در تحلیل اسلامی و انقلابی از رخدادها و جریان‌ات روز داخلی و جهانی و اهل اقدام به‌موقع در رخدادها و چالش‌ها؛ کسب نمره‌ی حداقل ۱۶ در دوره‌ی کارشناسی‌ارشد و کسب حداقل ۶۰٪ نمره‌ی آزمون ورودی دانشگاه‌ها؛ واجد شاخص‌های نخبگی، مانند حضور موفق در سمینارها، داشتن مقاله‌ی علمی - پژوهشی و سخنرانی در مجامع علمی.

با توجه به رسالت دانشگاه در تمدن‌سازی اسلامی و ارتقاء جایگاه علمی جمهوری اسلامی ایران در جهان و تربیت دانشمندانی تحول‌آفرین در علوم انسانی، پذیرش دانشجوی غیرایرانی امری ضروری و غیرقابل انکار است. حضور این دانشجویان سبب آشنایی بیشتر دانشجویان ایرانی با فرهنگ‌ها، دغدغه‌ها و مسأله‌های سایر کشورها و ارتباط بیشتر با جریان‌های علمی خارج از کشور از طریق این دانشجویان نیز می‌گردد و به آنها دید جهانی می‌دهد و دایره‌ی رسالت وسیع‌تری در پیش‌روی خود مشاهده می‌کنند.

با توجه به اینکه دانشگاه امام صادق (علیه السلام) یک دانشگاه انقلابی و در خدمت نظام اسلامی و اسوه و مرجع برای سایر مؤسسات آموزش عالی در جهان اسلام است، دانشجوی این دانشگاه باید سبک زندگی ویژه‌ی خود را داشته باشد. اهم شاخص‌های سبک زندگی دانشجویی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) عبارتند از: انس با قرآن و تدبیر در آن؛ مراجعه به سیره‌ی پیامبر اکرم و ائمه‌ی معصومین (علیهم السلام)؛ تمرین برای مقاوت در برابر شهوات و هوس‌ها؛ دلبسته به کار و پیشرفت؛ اجتناب از روزمرگی؛ احساس مسئولیت نسبت به آینده مسلمانان؛ ایفای مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر (نظارت همگانی)؛ پرهیز از سرگرمی‌های باطل؛ داشتن برنامه‌ی خودسازی فکری، اخلاقی و انقلابی؛ تعادل میان مسئولیت علمی با سایر مسئولیت‌ها؛ حضور فعال و مسئولانه و مبتنی بر وظیفه‌ی

دینی در جامعه؛ داشتن برنامه برای ارتقاء معرفتی خود؛ برنامه‌ریزی برای حفظ انقلاب اسلامی به‌عنوان امانت الهی و مردمی؛ داشتن روحیه‌ی مستقل و نقاد نسبت به سبک زندگی غربی؛ پیوند با مسجد؛ داشتن یک فعالیت هنری؛ همکاری با بسیج؛ تشکیل خانواده در اولین فرصت؛ تصمیم‌گیری عاقلانه و متفکرانه و همراه با بصیرت؛ توانایی ارزیابی، گزینش و طرد؛ داشتن روحیه‌ی حق‌پذیری و انعطاف در مواجهه با جریان‌های اجتماعی و سیاسی؛ داشتن هدف روشن و چشم‌انداز مشخص از تحصیل در رشته‌ی موردنظر؛ داشتن یک برنامه‌ی منظم ورزشی؛ حضور عدالت‌خواهانه در جامعه و تلاش برای عدالت و رفع فساد؛ برخوردار از آراستگی ظاهری متناسب با فرهنگ دینی و تجلی و ظهور شخصیت اخلاقی و سیرت باطنی در سلوک ظاهری و...

همان‌طور که در فصل نهم توضیح داده شد، از وظایف کلیدی استاد راهنمای تحصیلی شناخت استعدادها و تعیین دروس متناسب با استعداد اوست. علاوه‌براین در صورتی که دانشجو از استعداد ویژه‌ای برخوردار بوده و دارای نبوغ و نخبگی باشد، می‌تواند برنامه‌هایی خارج از چارچوب برنامه‌ی درسی به وی پیشنهاد کند.

در نهایت خاطرنشان می‌سازد، ضروری است کانون‌ها و نهادهایی که حضور در آنها جنبه‌ی داوطلبانه دارند، مانند بسیج اساتید و دانشجویان، انجمن‌های علمی، دفتر اعزام مبلغ و مرکز رشد تقویت شوند و روزبه‌روز توسعه یابند و فعالیت آنها چشم‌گیرتر و محسوس‌تر شود. علاوه‌براین، لازم است میان دانشگاه و دانش‌آموختگان رسالتی دوجانبه و پیوندی مستمر برقرار شود و فعالیت‌های متقابل را برعهده بگیرند.

فصل یازدهم: پیام‌های نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی برای نهادهای دانشگاه

نهادهای دانشگاه، اعم از نهادهای رسمی و اداری و نهادهایی که فعالیت‌های فوق‌برنامه و غیررسمی دارند، به‌منظور تحقق اهداف عالی دانشگاه تأسیس شده و در آن راستا سامان یافته‌اند. از این‌رو باید میان کلیه‌ی تشکیلات دانشگاه «وحدت رویه»، «هم‌افزایی»، «تعاون»، «تقسیم کار شفاف» و «مکمل و مؤید یکدیگر بودن» حاکم باشد و مبرا و مصون از «انجام کارهای مشابه و تکراری»، «اتلاف توانایی‌های انسانی»، «عدم ارتباط سازمانی» و «تضاد و تناقض میان فعالیت‌ها» باشد. اقدامات مربوط به هریک از نهادها عبارتند از:

۱) حوزه‌ی ریاست دانشگاه: انتخاب معاونان، مدیران و مسئولان بخش‌های مختلف؛ تعامل مستمر با رؤسای دانشکده‌ها، مدیران گروه‌ها و اعضای هیئت‌علمی و نشست‌های منظم با آنان؛ حضور حداکثری شخصیت‌های علمی و تربیتی دانشگاه در شوراهای اصلی و کلان دانشگاه؛ تقویت ارتباط معنوی و روح تعاون میان نهادهای دانشگاه با یکدیگر و میان ایشان و دانشجویان و برقراری رابطه‌ی محبت‌آمیز با دانشجو؛ ارزیابی مستمر و سخت‌گیرانه از اجرای برنامه‌ها و میزان تحقق اهداف؛ تکمیل

و ارتقاء آیین‌نامه‌ی گزینش اساتید؛ توسعه‌ی اختیارات و مسئولیت‌های مدیران و اساتید؛ عمل شفاف و روشن در چارچوب اسناد و مقررات.

(۲) اداره‌کل طرح و برنامه: استخراج دلالت‌ها و پیام‌های نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی برای مجموعه‌ی طرح‌ها و برنامه‌هایی که در این اداره‌کل تدوین می‌شود؛ نظارت بر مجموعه‌ی برنامه‌ریزی‌ها به‌منظور یکپارچگی و هماهنگی میان کلیه‌ی برنامه‌ها، از بین بردن دوباره‌کاری‌ها، استفاده‌ی مؤثر از کارشناسان و برنامه‌ریزان، ساده و کوتاه کردن فرآیند برنامه‌ها و از همه مهم‌تر، حضور روح این دو سند در کلیه‌ی برنامه‌ها و در جایگاه مناسب خود.

(۳) اداره‌کل روابط عمومی و بین‌المللی: ارتباط علمی - پژوهشی دانشگاه با مجامع علمی جهانی؛ فراهم کردن تمهیدات برای تبادل نظر میان اساتید دانشگاه و سایر کشورها؛ فراهم کردن شرایط برای حضور دانشجویان انقلابی و متعهد کشورهای دیگر در دانشگاه؛ انطباق برنامه‌های تبلیغی با اهداف تربیت اجتماعی و اخلاقی مندرج در نظام‌نامه‌ی تربیتی؛ ارائه‌ی برنامه‌ی سالانه برای حضور در مجامع علمی و گردهمایی‌های فرهنگی و انقلابی جهان اسلام و سایر کشورها؛ شناسایی مراکز علمی و پژوهشی در حوزه‌ی علوم انسانی - اسلامی و برقراری تعامل میان آنها و دانشکده‌ها و معاونت پژوهشی برای دادوستد علمی و پژوهشی؛ امضاء تفاهم‌نامه‌های بین‌دانشگاهی برای تبادل استاد، دانشجو، فرصت مطالعاتی و

(۴) حوزه‌ی معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی: برخوردار از تعدادی متخصص برنامه‌ریزی درسی به‌منظور کمک به دانشکده‌ها برای تنظیم برنامه‌های درسی؛ آگاه ساختن دانشجویان و اساتید از وظایف و آیین‌نامه‌های اجرایی؛ فراهم کردن امکانات برای عملی شدن ابتکارات دانشکده‌ها و اساتید؛ ایجاد تنوع در دروس و افزایش دروس انتخابی؛ ارزیابی پیوسته از مسئولان دانشکده‌ها؛ پیگیری ارزشیابی از اساتید و گروه‌های علمی؛ تفویض اختیارات به مسئولان دانشکده‌ها.

(۵) دانشکده‌ها: انتخاب رئیس دانشکده از میان اعضای هیئت علمی همان دانشکده، با مقبولیت میان اعضا؛ تمام وقت بودن رئیس دانشکده و تدریس حداقلی وی؛ تدوین برنامه‌ی رشته‌ی تحصیلی براساس چارچوب ارائه شده در «نظام برنامه‌ریزی درسی»؛ هدایت، مراقبت و حمایت از دانشجو به‌طور مستمر و پویا؛ برنامه‌ریزی برای ارتقاء مهارت‌های تدریس اساتید؛ انتخاب استاد راهنما از میان اعضای هیئت علمی؛ برنامه‌ریزی برای ارتقاء علمی اساتید برای تدریس دروس معارف اسلامی، به‌منظور نزدیک شدن به تلفیق.

(۶) حوزه‌ی معاونت پژوهشی: برنامه‌ریزی برای تولید علم با همکاری دانشکده‌ها و گروه‌های آموزشی؛ ایجاد فرصت برای دانشجویانی که توانایی تحقیقات جدید و خلاقانه زیر نظر استاد را دارند و تأمین امکانات برای آنها؛ اولویت به پژوهش‌های گروهی و جمعی؛ اطلاع‌رسانی مستمر به دانشجویان و

اساتید درباره‌ی تازه‌های کتاب، مقالات و نرم‌افزارها؛ غنی کردن کتابخانه با کتاب‌های موردنیاز دانشجویان و اساتید؛ ارتقاء آرشیو مجلات، مقالات پایان‌نامه‌ها و امکان دسترسی آسان به محتوای آنها؛ تمرکز و انسجام‌بخشی به فعالیت‌های نشر؛ انتشار به‌موقع رخدادهای علمی و پژوهشی، مانند سفرهای علمی و گردهمایی‌ها؛ رصد کردن دانشگاه‌های مشابه با دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) در داخل و خارج کشور و تشکیل بانک اطلاعات از آنها برای انجام پژوهش‌های تطبیقی و مراددهی علمی.

(۷) حوزه‌ی معاونت دانشجویی و فرهنگی: تدوین برنامه‌های جامع برای تربیت اخلاقی و تربیت عبادی، تربیت بدنی و زیستی، تربیت هنری و زیبایی‌شناختی، تربیت خانوادگی و تربیت اجتماعی؛ برنامه‌ریزی برای ورزش اساتید و تربیت بدنی آنان؛ اجباری کردن اصل ورزش و اختیاری بودن نوع آن برای دانشجویان؛ تنظیم برنامه‌هایی برای رفع کسالت و رخوت دانشجویان، درطول روز؛ دادن مشاوره به دانشجویان و حمایت فکری، روانی و اجتماعی از آنان؛ برنامه‌ریزی برای ازدواج و شغل دانشجویان، متناسب با موقعیت تحصیلی آنان؛ تناسب‌سازی برنامه‌ی غذایی با زندگی دانشجویی؛ بررسی مستمر مشکلات دانشجویان به‌خصوص دانشجویان متأهل و اقدام برای حل آنها.

(۸) حوزه‌ی معاونت اداری و مالی: حل مشکلات مربوط به زندگی اساتید، برای حضور بدون دغدغه در کلاس و محیط دانشگاه؛ انعطاف در موارد مصرف بودجه و تعیین حدودی از اختیارات به دانشکده‌ها.

(۹) مرکز رشد: جذب دانشجویان مستعد و اجرای برنامه‌های تربیتی؛ وارد کردن دانشجویان به میدان چالش‌های جهانی و تعریف پژوهش‌های ناظر به این چالش‌ها؛ تعریف دوره‌های فوق‌تخصصی برای دانشجویان مستعد و رساندن آنان به قدرت اجتهاد و نظریه‌پردازی؛ ارتباط با مراکز علمی و پژوهشی خلاق و نوآور دارای رویکرد اسلامی؛ برنامه‌ریزی برای تبدیل دانشجویان مستعد به استاد طراز، جهت جذب در دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) و دانشگاه‌های دیگر.

(۱۰) بسیج دانشجویی: تقویت روحیه‌ی جهادی، انقلابی و ارتقاء آرمان‌های علمی، فرهنگی، سیاسی و اخلاقی دانشجویان؛ ایفای نقش پیشرو در همه‌ی صحنه‌های علمی و اجتماعی.

(۱۱) مرکز تحقیقات بسیج: مطالعات بنیادین برای نقادی رشته‌های موجود دانشگاه و رسیدن به پیشنهادهای جدید؛ برقراری تعامل و دادوستد علمی با انجمن‌های علمی و نهاد پژوهشی دانشگاه و مرکز رشد.

(۱۲) هیئت میثاق با شهدا: توجه به بخش‌هایی از نظام‌نامه‌ی تربیتی، به‌خصوص بخش‌های مربوط به «تربیت عقل و قلب»، «رویکرد بنیادین نظام تربیتی»، «ابعاد تربیت» به‌خصوص «تربیت اخلاقی»، «تربیت زیبایی‌گرایی»، «تربیت عبادی»، «تربیت خانوادگی» و «تربیت اجتماعی»، «روش‌های تربیت»، «عوامل تربیت» و نیز بخش‌های مربوط به «سبک زندگی دانشجویی» در «نظام برنامه‌ریزی درسی».

۱۳) انجمن‌های علمی: ارتباط وثیق انجمن‌های علمی با دانشکده‌ها؛ برنامه‌ریزی انجمن‌ها برای حضور شاداب و فعالانه‌ی نخبگان علمی و دادوستد علمی میان آنها؛ حضور نمایندگان انجمن‌های علمی در برنامه‌های علمی و آموزشی دانشگاه و واگذاری برخی اقدامات علمی به آنها.

۱۴) دفتر اعزام مبلغ: توسعه‌ی امر تبلیغ به حوزه‌های موردنیاز در تربیت؛ تدوین برنامه‌ی جامع تبلیغی با رویکرد تربیتی.

فصل دوازدهم: اشاعه‌ی برنامه

به‌منظور آگاهی مخاطبان نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی از مبانی و محتوای این دو برنامه و گسترش و توسعه‌ی آن در سایر نهادهای علمی و تربیتی و استفاده‌ی مستمر از دیدگاه‌ها، «معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی» وظیفه دارد برنامه‌ی جامع اشاعه را تدوین نموده و به‌اجرا درآورد. مخاطبان اشاعه عبارتند از:

- ۱) مدیران، مسئولان و کارشناسان دانشگاه؛
- ۲) اساتید و مربیان دانشگاه؛
- ۳) دانشجویان (نسبت به بخش‌هایی که به آنان مربوط است)؛
- ۴) نهادهای علمی و تربیتی، به‌خصوص در آموزش عالی و حوزه‌های علمیه؛
- ۵) نهادهای علمی و تربیتی مشابه در جهان اسلام و سایر نقاط دنیا.

روش‌های اشاعه این‌دو نیز در قالب‌های زیر قابل اجراست: برگزاری کارگاه‌های آموزشی؛ برگزاری جلسات نقد، مناظره، کرسی آزاداندیشی؛ ۳- گشایش درگاه مناسب در پایگاه اینترنتی دانشگاه؛ دعوت از اساتید تعلیم و تربیت و نظام تربیتی و برنامه‌ریزی دانشگاه؛ گردهمایی سالانه برای ارتقاء و برنامه‌ریزی در نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی.

بنابراین پس از طی مراحل تصویب و رسمیت یافتن نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی دانشگاه، برای پیاده کردن این‌دو سند و اجرای تدریجی آن باید قدم‌های زیر برداشته شود:

- ۱- اشاعه‌ی نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی در سطح اساتید، دانشجویان و مدیران و مجریان، با تشکیل جلسات توجیهی مستمر، انتشار اسناد و برگزاری دوره‌های کارگاهی؛
- ۲- ابلاغ نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی به نهادهای دانشگاه، همراه با تعیین مسئولیت‌های هر نهاد در ابلاغیه؛

۳- انجام تغییرات ساختاری متناسب با مفاد نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی؛

- ۴- تدوین و تصویب برنامه‌های درخواست‌شده در نظام‌نامه‌ی تربیتی و برنامه‌ریزی درسی؛
- ۵- اجرای زمان‌مند نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی در بخش‌های مختلف همراه با نظارت و مراقبت مستمر از سوی ریاست دانشگاه.

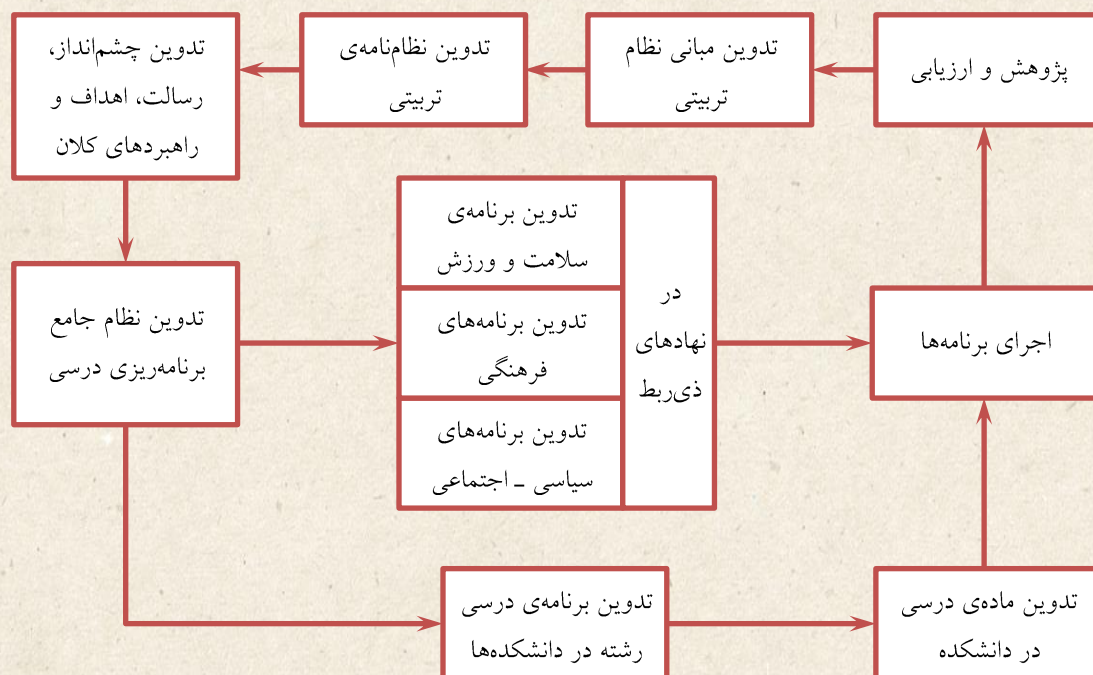
فصل سیزدهم: نظارت و ارزیابی از اجرای نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی

پیشنهاد می‌شود مسئولیت نظارت و ارزیابی از این دو سند توسط نهادهای بی‌طرف توسط ریاست عالی دانشگاه تعیین شود. از آنجاکه برنامه‌های تربیتی باید دوام لازم را داشته باشد و دستخوش تغییرات موردی نگردد، لازم است بازنگری در برنامه در دوره‌های شش‌ساله انجام پذیرد.

از جمله اموری که باید مورد نظارت و ارزیابی قرار بگیرند عبارتند از: مدیران، مسئولان و کارشناسان؛ اساتید و مربیان؛ تشکیلات و ساختارهای دانشگاه؛ مبانی نظام تربیتی؛ نظام‌نامه‌ی تربیتی؛ نظام برنامه‌ریزی درسی؛ برنامه‌های درسی هر رشته؛ محتوای آموزشی و منابع درسی؛ فضا و امکانات؛ بودجه و نحوه‌ی توزیع آن.

فصل چهاردهم: الگوی جامع مراحل برنامه‌ریزی تربیتی و درسی

مراحل برنامه‌ریزی برای بازنگری و تدوین مجدد و پیوسته‌ی نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی به‌قرار زیر است:





دانشگاه امام صادق یک پدیده ممتاز
است؛ صرفاً یک دانشگاه مثل بقیه
دانشگاه‌ها نیست که فقط می‌خواهند
دانشجو و عالم تربیت کنند؛ این هم
هست؛ منتها علاوه بر این، می‌خواهد از
همه جهت، یک الگوی دانشگاه اسلامی
باشد... کاری کنید که دانشگاه امام
صادق، نه فقط در مقایسه با فلان
دانشگاه دیگری که در تهران یا شهرستان
هست، یک رتبه جلوتری به دست آورد؛
بلکه این دانشگاه مرجع تحقیقات مراکز
علمی و دانشگاه‌های دنیا بشود.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق علیه‌سلام (۱۳۸۴/۱۵/۲۹)

